مدیریت شهری
شماره ۳۷ زمستان ۹۳
No.37 Winter 2015
۱۰۳-۱۲۶
زمان دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۲/۱۷ زمان پذیرش نهایی: ۱۳۹۳/۷/۱

تبارشناسی رویکردهای تبیینِ جایگاه فضاهای باز عمومی در سکونتگاه های روستایی

محسن ساردوئی* – مربی و عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد قشم، قشم، ایران.

چکیده

«فضای باز» از حیث وجودی عنصری مهم و از حیث ماهیتی، موضوعی پیچیده است. فضای باز و نسبت آن با فضای بسته، اگر چه ممکن است از نظر متکلمین به زبان دیگر در اقلیم های مختلف یگانه باشد، ولی با نگاهی عمیق تر تفاوت هایی بنیادی را می توان دریافت. عدم توجه به این تفاوتها از یکسو و از سوی دیگر تفاوتهای بنیادی و ساختاری مجموعه آنها با مقولات برنامه ریزی معماری روستایی بسیار مهم بوده و می تواند به استحاله پارادیم های مرتبط با زندگی روستائی و شیوه معیشت آنان منجر شود. نتایج حاصل از این تحقیق، بیانگر جامعیت بیشتر مفاهیم و رویکردهای «برنامه ریزی- مدیریتی» و سپس «حفاظتی- زیست محیطی» در فضاهای باز سکونتگاه های روستایی است که اغلب از محدوده فضاهای داخلی فراتر رفته و نواحی حومه ای را نیز شامل می شود. در روستاها می توان شاهد کارکرد گسترده تر فضای باز بود که در برخی مواقع از لحاظ اهمیت دارای نقشی نزدیک به فضای بسته می باشد. به همین دلیل در بسیاری از مواقع فرایند اُرگانیک شکل گیری این دو تیپ فضا به شکلی لاینفک درهم آمیخته و نمی توان هیچ کدام از آنها را دارای سیطره دانست. در هر حال، روشها، مدلها و تاثیرات هر یک از شیوه های مدیریتی و برنامه ریزی در رویکردهای تبیین کننده جایگاه فضاهای باز بر تامین سه نقش کلیدی فضاهای باز؛ «نقشهای اقلیمی- محیطی و سلامتی- بهداشتی»؛ و مهمتر از همه «نقش حفاظت کنندگی» تاکید دارند؛ چنانچه تبیین کننده نقش و جایگاه فضاهای باز در سکونتگاه های روستایی بوده و با توجه به استحاله های فرهنگی در روستاها، از اولویتهای معاصر در حوزه برنامه ریزی معماری و طراحی فضاهای روستایی بشمار می رود. همچنین پیشنهاد می شود تا موارد زیر در حوزه برنامه ریزی فضاهای باز سکونتگاه های روستایی مورد التفات قرار گیرد: ضرورت شکل دهی سازماندهی اجتماعی فضا خاصه در فضاهای باز روستایی؛ ضوابط و دستورالعمل های طراحی معماری سکونتگاه های روستایی؛ ضوابط و دستورالعمل های ساخت و اجرا در مناطق روستایی؛ شناسایی کارکرد مفهوم فضای باز در قومیتها و مقوله بومی گرایی در طراحی روستا؛ التزام انجام پژوهشها و مطالعات فرهنگی کارآمد در مقوله جایگاه و نقش فضاهای باز روستایی و مفاهیم وابسته و پیوسته.

واژگان کلیدی: فضاهای باز عمومی، سکونتگاه های روستایی، رویکردهای مداخله در بافت و فضا، رویکرد تحلیلی.

Genealogy approaches to explaining the role of public open spaces in rural settlements

Abstract

Outdoor in terms of major element of nature as something complicated. Open space and its relation to the environment, although the exact language is unique in different climates; But a deeper look at the fundamental differences can be found. Lack of attention to these fundamental differences and structural differences on the one hand and the other with issues of rural architecture planning is very important. The results of this study indicate a more comprehensive concepts and approaches Planning Manager and Safety – Environment in the open spaces of rural settlements is often beyond the scope of internal spaces. In the village you can see more outdoor function that has a role in some cases of importance is nearly closed space. That is why in many cases the organic process of the formation of these two types of space and can be mixed to form an integral knew none of them have dominion. However, methods, models and effects of each of the management practices and planning approaches to explain the status of open spaces on three roles provide key open spaces roles climate - environment and health – health and above all the role of conservationists' emphasis. It is proposed to include in the planning of open spaces under consideration are rural settlements: Necessary form of social organization of space, especially in rural open spaces, architectural design rules and guidelines rural settlements; Standards and guidelines development and implementation in rural areas.

Keywords: public open spaces, rural settlements, and space in the context of intervention approaches, analytical approach.

* نویسنده مسئول مکاتبات، شماره تماس: ۰۹۱۳۱۹۸۷۶، رایانامه: Sardoee89@Gmail.com

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]

مقدمه

یکی از رسالت‌های طراحان و معماران خلق رابطه‌ای متناسب بین انسان‌ها و کالبد اطرافشان است؛ چه این کالبد در سکونتگاه های شهری باشد و چه در مناطق جغرافیایی روستایی قرار گیرد، برای نیل به این هدف، خالقان فضا باید درک صحیحی از رفتار انسان در محیط‌های متفاوت داشته باشند؛ به‌نحوی که پیوند انسان و مکان را قوی‌تر سازند (Waxman, 2004). فضای باز موضوعی مهم در طراحی شهری، معماری و معماری منظر است. بار مفهومی فضای باز متنوع و معانی آن متعدد است. فضای باز از یک سو می تواند شامل مناطق حفاظت شده زراعی یا جنگلها، تسهیلات حفاظتی، زیستگاه های حیات وحش، نواحی حائلی آبراهه ها، پارکهای محلی و منطقه‌ای و حتی زمینهای گلف و بازی باشد که هر یک بواسطه اندازه، میزان تصرف (دائمی یا موقت)، میزان دسترسی عمومی و جایگاه آنها در ساختار فضایی از یکدیگر متمایز می شوند (klaiber & Phaneuf, 2010). و از سوی دیگر فضاهای باز که در مقابل فضاهای بسته، فضاهای ساخته شده و یا فضاهای مصنوع مانند نواحی مسکونی، صنعتی، تجاری و زیرساختهای مربوطه تعریف می شوند، می تواند شامل پارکها، میادین، خیابانها و فضاهای باز نواحی مسکونی باشد. اهمیت فضاهای باز در محیط پیرامون بشر و ارتقاء کیفیت زندگی، هر روز بیشتر از گذشته درک می گردد. امروزه در بسیاری از کشورها فضاهای باز به عنوان یکی از بخشهای جدایی-ناپذیر برنامه ریزی کاربری اراضی دانسته می شوند. با این حال رویکردها به برنامه ریزی فضاهای باز متنوع بوده و هیچگونه توافق کلی در زمینه ضوابط مطلوب که مبین میزان فضای باز مورد نیاز، محل قرارگیری فضاهای باز و شیوه استفاده و بهره برداری از آنها باشد، وجود ندارد (Maruani & Amit-Cohen,2007).

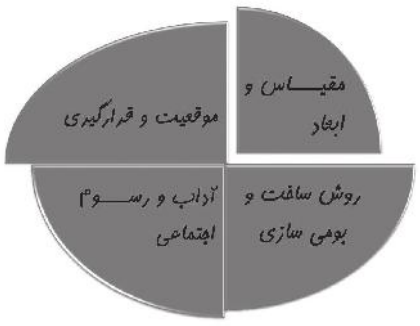
از سویی دیگر، تغییرات در همگنی اجتماعی در مناطق روستایی، تجانس و عدم تجانس های فرهنگی روستانشینان، مظاهر و نمودهای اخلاقی جدید در روستاها، الگوهای معاشرتی و حلقه های اجتماعی و حتی میزان اجتماع پذیری و اداب و رسوم زندگی در مناطق روستایی نیز نشان از این تحولات دوران مدرن و پسامدرن دارد؛ چنانچه مطابق با همه جای دنیا و مناطق روستایی ایران در حال حاضر، شناخت تاثیرات مدرنیته و فرایندهایش بر الگوهای سکونت و فرهنگ معماری در تمام جوامع بخصوص کشورهای در حال توسعه بسیار پیچیده و دشوار شده است؛ زیرا در نتیجه تحولات مدرن و گسترده فرایندهای ارتباطی بین ملت ها و ادغام و اشاعه فرهنگها در یکدیگر، دیگر فرهنگ آن کلیت منسجم و یکپارچه‌ای نیست که انسان شناسان در قبایل و اقوام کوچک سنتی و روستایی مشاهده و مطالعه می کردند. در این راستا، در این مقاله به مفهوم جایگاه و نقش فضاهای باز در سکونتگاه های روستایی و رویکردهای برنامه ریزی آنها در معماری روستاها پرداخته می شود.

(۲) مواد و روشها

روشهای مورد نظر در این تحقیق عبارتند از:

(۲-۱) روش توصیفی و تحلیلی: در مرحله ادبیات و مبانی نظری با ابزار گردآوری داده: مطالعات کتابخانه ای و اسنادی؛

(۲-۲) روش تحلیل ساختاری: مهمترین روش در این رساله روش تحلیل ساختاری است؛ چراکه روش «تحلیل ساختاری» نیز از نظر شکل کالبدی، مقیاس و ابعاد، موقعیت و قراگیری در سایت و روش ساخت و آداب اجتماعی مربوط به آن را نیز شامل می شود. تحلیل آثار در واقع تحلیل ساختاری با استفاده از روش زبان شناسی ساختاری است. بدین ترتیب در چارچوب



نمودار ۱. مدل مفهومی تحلیل ساختاری معماری سکونتگاه های روستایی؛ ماخذ: ترسیم نگارنده بر اساس نظریات ساسور و لوی استراوس.

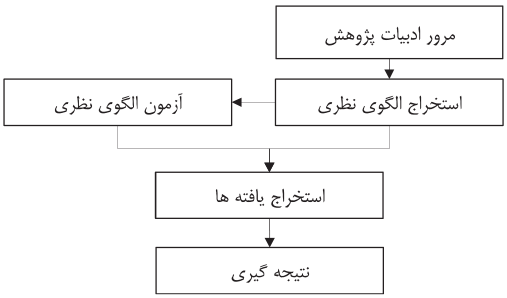
فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۷ زمستان ۹۳
No.37 Winter 2015

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]

رویکرد تحلیل ساختاری انجام می شود تا بتوان به معیارهای مورد نظر تحقیق دست یافت.

(۲-۳) مدل مفهومی تحقیق: مدل مفهومی تحقیق حاضر را می توان در قالب نمودار زیر ترسیم کرد.

(۲-۴) ساختار تحقیق: ساختار تحقیق حاضر در قالب نمودار زیر مورد اشاره قرار گرفته است.



نمودار ۲. مدل مفهومی تحقیق؛ ماخذ: نگارنده.

(۳) مبانی نظری تحقیق

(۳-۱) فضا و محیط

موضوع تولید، تقویت و توسعه فضای شهری مناسب، فعال، پویا و زنده به عنوان یکی از اهداف راهبردی ارتقای کیفیت محیط در محیط های مصنوع شهری، همواره در صدر کار برنامه‌ریزان و طراحان شهری قرار دارد. اهمیت این موضوع اساساً به جهت نقش مؤثری است که این گونه فضاها در جامعه دارند و این مهم بارها از سوی بسیاری از دست اندرکاران مسائل شهری، اجتماعی و روان شناسی مانند (پاتریک گدس: ۱۹۱۵، گوردن کالن: ۱۹۵۹، کوین لینچ: ۱۹۶۱، لوئیس مامفورد: ۱۹۶۱، جین جیکوب: ۱۹۶۱، ادموند بیکن: ۱۹۷۳، اموس راپاپورت: ۱۹۷۷ و ۱۹۷۸، ادوراد کروپات: ۱۹۸۵، کارولین فرانسو از: ۱۹۸۸۸، دیوید هربرت: ۱۹۸۱ و ۱۹۹۱، جان مونتگمری: ۱۹۸۸، یان بنتلی: ۱۹۹۹) مطرح شده است (پارسی، ۱۳۸۱، ص ۴۲). اما تجربه نشان می دهد به رغم توجه اندیشمندان و تأکیدهای آنان، تلاش برای ایجاد، احیا و تقویت فضای شهری عموماً با موفقیت همراه نبوده و به نظر می رسد می توان به برخی دلایل آن چنین اشاره کرد:

۱. غلبه اصالت شکل در شناخت، تحلیل و طراحی فضای شهری.

۲. رشد یکسوگرانه گرایش های روان شناختی شهری و کم توجهی به بستر اجتماعی.

۳. عدم شناسایی دقیق عوامل اجتماعی مؤثر در محتوا و فرم فضای شهری و ساز و کار آنها.

۴. عدم کفایت تعریف موجود از محتوای فضای شهری.

عمده متون مربوط به فضای عمومی شهری و محتوای آن در بررسی های خود از ابعاد کالبدی و فعالیتی فضای شهری به سه منبع «**زندگی اجتماعی در فضاهای شهری کوچک**[1]» اثر ویلیام وایت[2] در ۱۹۸۰، «**زندگی در بین ساختمان ها**[3]» اثر جان گهل[4] در ۱۹۸۷ و «**مکان های مردمی: راهنمای طراحی فضای باز شهری**[5]» اثر کلیر کوپرمارکوس[6] و کارولین فرانسیس[7] در ۱۹۸۸ ارجاع می دهند.

فضاهای شهری و روستایی از آن دسته از فضاهای باز عمومی در شهر هستند که بستر فرهنگی «تعاملات اجتماعی» بوده و دارای سه شاخص اصلی عرصه عمومی شهر می باشند: «عمومی بودن، باز بودن و بستر تعاملات اجتماعی» (پاکزاد، ۱۳۹۰). برای فضای شهری، تعاریف متعددی از جمله فضای زندگی و فعالیت های جمعی و اجتماعی، فضای تعاملات فرهنگی و فضایی با تناسبات زیبایی‌شناسانه ذکر می شود. فضاهای روستایی می‌توانند به تناسب «فرهنگ و اقلیم»، فضاهایی سرپوشیده و مسقف نیز باشند؛ بنابراین فضای روستایی فضایی عمومی و عام است که دسترسی همگان به آن امکان پذیر بوده و به عنوان مفصل فضاهای مختلف و مکان دسترسی به فضاها و عملکردهای عدیده ای ایفای نقش می کند. طبیعی است که اگرچه می توان برای فضای شهری ویژگی های کالبدی خاصی را تعریف کرد، اما این ویژگی ها، ویژگی های استانداردی نیستند و در جوامع مختلف تمایزات و تفاوت هایی با یکدیگر دارند. «فضای شهری»[1] پدیده‌ای سازمان یافته از اطلاعاتی است که در صور مختلف فرم، عملکرد و معنا تجلی

1. The Social Life of Small Urban Spaces
2. William H.Whyte
3. Life Between Buildengs
4. Jon Gehl
5. People Places: Design Guidelines for Urban Open Spaces
6. Clare Cooper Marcus
7. Carolyn Francis

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]

می یابد. بستر شکل گیری و ارتقا زندگی اجتماعی یک جامعه که بیانگر فرهنگ و شیوه شهر نشینی یک تمدن می باشد. فضای شهری عینیتی است برخاسته از تلفیق روابط اجتماعی، در بستری کالبدی، در زمینه ای معنایی و در راستای عملکردهایی مورد نیاز جمعی انسانی. آنچه در شهرهای امروز ما دیده می شود نه فضای شهری که فضاهایی خالی محصول کنارهم قرارگرفتن بناها و تکه های باقی مانده از توده هایی هستند که کمتر معنا و مفهومی را به ذهن متبادر می کنند. شاید اینگونه باشد که در شهر؛ اول ساختمانها ساخته می شوند و آنچه باقی می ماند، فضای شهری[1] است. مهمترین ابزار درجهت تقویت جامعه مدنی تقویت عرصه های عمومی است و اما در میان عرصه های عمومی، فضای شهری فضایی است که با ساختار کالبدی و کارکرد اجتماعی اش می تواند عرصه مطلوبی برای رشد و بالندگی جامعه مدنی ارائه دهد. فضایی که مکان تعاملات اجتماعی، برخوردهای اجتماعی، تبادلات اجتماعی و محملی برای انواع فعالیت هاست (حبیبی، ۱۳۸۰).

در جستجوی «ماهیت شناخت شناسانه فضا» به معنای عام، دو دیدگاه «ذهنی و عینی»، «فلسفی و علمی» و یا «کیفی و کمی» قابل طرح هستند:

۱. **دیدگاه اول؛ نگرشی کیفی** است، در این نگرش اثر معمارانه یا شهرسازانه، از جنبه های زیباشناختی یا روان شناختی مثل زیبایی، مطلوبیت، عظمت، وحدت و یا از باب بعضی مفاهیم اعتقادی و یا متافیزیکی مورد مطالعه قرار می گیرد (شیخ زین الدین، ۱۳۷۶)؛

۲. **دیدگاه دوم، نگرشی کمی** است که بیشتر چشم به جنبه های ملموس و کاربردی اثر دارد. مواد و مصالح، خصوصیات عملکردی، فن آوری، اندازه ها و تناسبات و موضوعات این برخورد به شمار می روند. بر همین اساس شهر مقوله ای علمی می گردد چون ابعاد عینی و کاربردی آن در همه زمینه های اجتماعی، اقتصادی، کالبدی، و فضایی با ضوابط و معیارهای علمی قابل سنجش و ارزش گذاری است و به این اعتبار، لازم است به روستاها و اجزای فضایی آن مانند یک مقوله علمی نگریسته شود.

از دیدگاه عینی و مادی، فضا بستری است که روابط اجتماعی و حیات مدنی در آن جریان می یابد. روابطی که بر مبنای واقعه ها و حادثه ها شکل می گیرند و حیات مدنی را به حیات واقعه ای تبدیل کرده و سبب می گردند تا خاطره شکل گیرد و ذهن محل انباشت خاطره ها گردد (خاتمی، ۱۳۸۰، ص ۵۴). فضای شهری در عین دارا بودن ارزش های اجتماعی و فرهنگی جامعه، ظرف فعالیت های شهری و ضرورت ها مرتب بر آن نیز محسوب می گردد. «**گهل**» در کتاب خود این فعالیتها را در سه طیف مورد بررسی قرار می دهد:

۱. دسته اول «**فعالیت های ضروری**[2]» و با اهمیت که تحت هر شرایطی اتفاق می افتند و ارتباط خاصی با ویژگی های منحصر به فرد اجتماعی ندارند. فعالیت هایی نظیر رفتن به محل کار یا مدرسه، انجام خرید، انتظار در ایستگاه اتوبوس و سایر فعالیت های عمومی و روزمره در این دسته جای می گیرند. این طیف از فعالیت ها درجات متفاوت از مشارکت اجتماعی را می طلبد؛

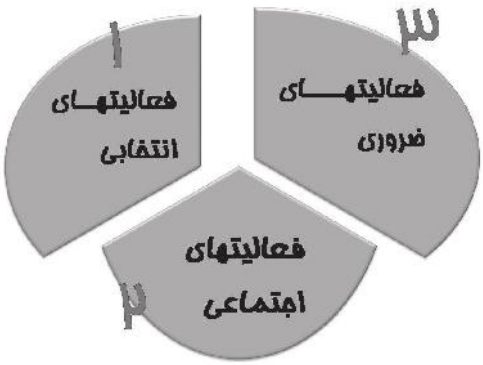
۲. دسته دوم از فعالیت هایی که در فضای شهری انجام می شوند را، «**فعالیت های گزینشی و انتخابی**[3]» تشکیل می دهند که در شرایط مناسب و وضعیت دلخواه افراد ضرورت پیدا می کنند. قدم زدن در هوای آزاد، توقف و مکث در مکان های تفریحی، نشستن و استراحت در مکان های جذاب و دیدنی جزء فعالیت های انتخابی و موردی به شمار می آیند؛

۳. دسته سوم از فعالیت هایی که در فضای شهری رخ می دهند، «**فعالیت های اجتماعی**[1]» هستند که بسته به ویژگی های فضای شهری طیف گسترده ای از روابط متقابل افراد را در برمی گیرد. این فعالیت ها به دلیل تأثیرپذیری از سایر فعالیت ها و فضای اجتماعی، فعالیت های نهایی نیز خوانده می شوند. شرایط خاص فضاها جهت ایستادن، نشستن، خوردن بازی کردن و غیره، این فعالیت ها را تحت تأثیر خود قرار می دهند. در فضاهای شهری که فاقد جنبه های لازم جهت تقویت روابط

1. Urban space
2.Necessary Activities
3.Optional Activities

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]

اجتماعی هستند، تنها مقدار کمی از این فعالیت‌ها امکان بروز پیدا می‌کند که بسته به شرایط افراد نیز متفاوت خواهد بود. در مقابل در فضاهایی که از این ابعاد غنی هستند، سطح و قدر بالایی از فعالیتهای اجتماعی شکل می گیرد.[۲]



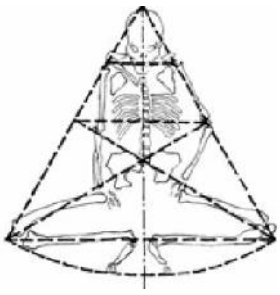
نمودار ۳. انواع فعالیتها در فضا؛ ماخذ: نگارنده بر اساس گهل، ۱۹۸۷.

راپاپورت تاکید می‌کند که «*هر شیء مصنوع، هرقدر هم که ساده باشد باید پیش از ساخته شدن، در مقام ایده‌ای وجود داشته باشد. این شیء پس از آن‌که ساخته شد به ما در یادآوری آن ایده اولیه کمک می‌کند.*» بنابراین معماری، تجسد آرمان‌ها و باورهای هر قوم است و آن‌ها را به افراد متذکر می‌شود. در حالت سنتی، این نظم آرمانی را هم در شهر و هم در بناها می‌توان دید چنان‌که به قول آلدو وان ایک[۳] «هر بنا، شهری است کوچک و هر شهر، بنایی بزرگ.» در تایید این نگاه، راپاپورت نیز از چندین مثال عینی یاد می‌کند. یکی از بارزترین این مثال‌ها معماری لپنسکی ویر[۴] یوگوسلاوی است که مربوط به هزاره هفتم پیش از میلاد است. در این منطقه، هم فرم کلی شهر و فرم هم تک‌تک خانه‌ها ذوزنقه‌ای شکل است که مبتنی بر حالت خاص دفن امواتشان است.

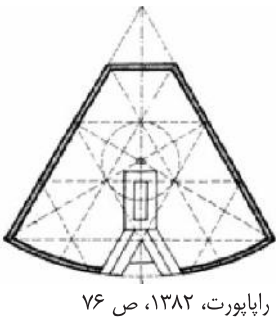
او این نکته را نیز خاطرنشان می‌سازد که بناهای مختلف مسکونی و غیرمسکونی هم در گذشته از یک مدل پیروی می‌کرده‌اند و بناهای غیرمسکونی شاخص (مانند فضاهای مذهبی) یا مقیاس‌های بزرگتری داشته، یا تزئینات بیشتری و یا در مکان ویژه‌ای واقع می‌شده است. راپاپورت در تاثیرپذیری معماری از فرهنگ تا آنجا پیش می‌رود که رفتار انسان را به نمایشی تشبیه می‌کند، نمایشی که معماری، صحنه آن‌را برای ایفای بهتر نقش‌ها فراهم می‌سازد. در این نگاه، ساختمان‌ها وسایلی برای تنظیم رفتارهای انسان هستند. به عنوان مثال، خانه مردم تِمن[۵] در آفریقا با هدف برقراری ارتباط با نیاکان به منظور طلب برکت از آن‌ها ساخته شده و یا بسیاری از بناهای سنتی درواقع نمایشی از صور آسمانی تلقی می‌شده‌اند. بنابراین راپاپورت یک‌بار دیگر بر نقش مذهب به عنوان نظم‌دهنده نظام ذهنی و نظم‌دهنده نظام فضایی تاکید کرده و به نوعی، خاستگاه معماری در جوامع سنتی را در آموزه‌های حاصل از آن می‌داند. در پایان به اختصار به چند نظریه درباره فضا و مولفه های فرهنگی دخیل در آن اشاره می شود.

(۳-۲) فضای باز

اصطلاح فضای باز احتمالاً برای نخستین بار در سال ۱۸۳۳ میلادی در انگلستان مورد استفاده بوده است.



راپاپورت، ۱۳۸۲، ص ۷۶



راپاپورت، ۱۳۸۲، ص ۷۶



راپاپورت، ۱۳۶۶، ص ۳۸

1. Resultan Activities(Social Activities)

۲. برای اطلاعات بیشتر ر.ک. به:
Gehl, Jon (1987) Life Between Buildings
Larice, Michel and Macdonald، Elizabet (2007) The Urban Design Reader. Routeldge. New York. PP348-375
- رفیعیان، مجتبی و سیفایی، مهسا (۱۳۸۴) فضاهای عمومی شهری: بازنگری و ارزیابی کیفی. نشریه هنرهای زیبا. شماره ۲۳. صص۴۳-۳۵

3.Aldo Van Eyck
4. Lepenski Vir
5. Temn

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]

جدول ۱. نظریات اندیشمندان در رابطه با فضا؛ ماخذ: نگارنده بر اساس یافته های تحقیق.

اندیشمندان	نظریات
لینچ	شهر را مهمتر از مجموعه عناصرکالبدی و دربرگیرنده انسانها، فعالیتها و رفتارهایشان می دانست (لینچ، ۱۳۷۴، ص ۱۰). هیچ عاملی به خودی خود به تجربه در نمی آید مگر آنکه در پیوند با زمینه یا محیط اش دیده شود، تسلسل رخدادهایی که سبب بروز آن گشته شناخته گردد و در رابطه با یادها و تجربه های پیشین باشد.
هالپرین	به نظر می رسد اهمیت کارهای وی به دلیل توجه به تجربه فضایی انسان ها بوده به گونه ای که وی همواره بر نقش مردم و حرکات آنان در پایایی و ماندگاری اشاره دارد و زندگی را وابسته بدان می داند و کالبد اعم از ساختمان های قدیمی و جدید در کنار هم را رشته ای زنجیر وار میان گذشته و حال قلمداد می کند (Halprine, 1963,9-14).
هال	به عقیده وی فضاهایی با نمودهای ثابت (بعد های مادی تعمیم یافته از مالکیت) دارای طرح های درونی و پنهانی که نشأت گرفته از فرهنگ و طرح های فرهنگی می باشند. طرح روستاها، شهرک ها، شهرها و مداخله در حومه اتفاقی و تصادفی نبوده بلکه از طرحی که نسبت به زمان و فرهنگ دگرگون است پیروی می کند. (هال، ۱۳۷۶، ۱۴۶)
بیکن	بیکن شهر را بزرگترین دستاورد بشری و حاصل تصمیمات مردم آن می داند (بیکن، ۱۳۷۶،۱۳). او به منظور اثبات نظریات خود به بررسی شیوه شکل گیری شهرهای قدیمی مثل آتن باستان می پردازد و از نظام های حرکتی سخن به میان می آورد مجاریی که کل شهر را به هم پیوند داده و سبب ایجاد یک کل منسجم می گردند(بیکن، ۱۳۷۶، ۳۶-۳۴).
روسی	اهمیت نظریات روسی به دلیل توجه به معماری به عنوان فرآیندی است که گذشته را به آینده پیوند می دهد بنابراین وی شهر را دستاورد ناخودآگاه جمعی و صحنه زندگی، فعالیت ها، رویدادها و عواطف چندین نسل می داند (پاکزاد، ۱۳۸۶، ۳۳۸). او به این واقعیت اشاره دارد که عوامل فرهنگی در شکل گیری ساختار فضا نقش بسزایی را ایفا می نمایند.
راپاپورت	در بسیاری از فرهنگ های سنتی طرح های ذهنی مقدس و معانی از مهمترین ها هستند و فضاها و محیط در آن فرهنگ ها فقط در آن عبارات می توانند فهمیده شوند در فرهنگ های دیگر، سلامت یا بهداشت، اوقات فراغت، انسان گرایی، نوعی از خدا پرستی یا مواردی که با آنها می توان خوب و سالم بود می توانند ارزش هایی باشند که طرح های ذهنی را تبیین می کنند و از این رو در سازماندهی محیط های زیست منعکس شده اند. (راپاپورت، ۱۳۸۴، ص ۶۷)
نصر	سخن از سنت، سخن از اصول تبدیل ناپذیری است با منشأ آسمانی و سخن از کاربردشان در مقاطع مختلف از زمان و مکان. در عین حال، سخن از تداوم آموزه های خاص و صوری قدسی ست که محمل هائی هستند برای انتقال این آموزه ها به انسان و به فعلیت درآمدن تعالیم سنت در درون انسان. (اردلان و بختیار، ۱۳۸۰، پیشگفتار) معماری اسلامی، همچون همه انواع معماری سنتی، با کیهان شناسی مأنوس و مرتبط است پس خود انسان است که با کیهان انس و الفت دارد، او عالم صغیر است و همچون عالم کبیر، بازتابنده حقیقتی ماورائی است. همه تشابهات بین انسان و کیهان بیانگر واقعیتی ژرف اند که سطوح مختلف هستی انسان را به سطوح همخوان با هستی کیهان پیوند می زند. (اردلان و بختیار، ۱۳۸۰، پیشگفتار)
اردلان و بختیار	بررسی صور نوعی از چند نظر سودمند است. از این راه می توان صاحب فرهنگ نامه ئی از صور ساختمانی شد که راهنمای درک کارهای دیروزیان باشد. آن دُرد تاریخی که پاری از صور به دست می دهند. نمایشگر خاستگاه آنها و حاکی از کاربری ویژه آنهاست؛ و در عین حال مؤید نمادین بودن فطری شان. (اردلان و بختیار، ۱۳۸۰، ۶۷)

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]

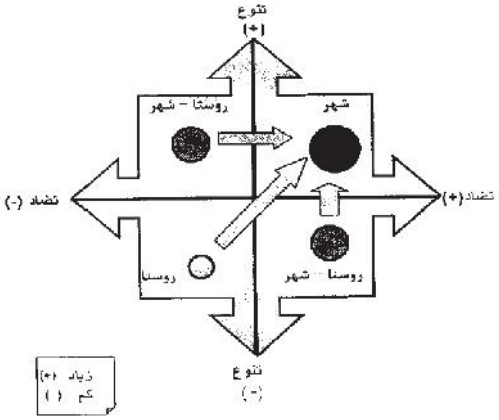
نخستین تعاریف از فضای باز در قرن بیستم حاصل نوعی پنداشت «تهی» از فضا و یا هر آنچه از باقی مانده احجام «پُر» قابل تصور است، می باشد (Simeofori-dis,1993). فضای باز در آن زمان بیشتر در قالب فرم شناخته گردیده تا به عنوان یک عملکرد دانسته شود. بدین ترتیب ناحیه ای ساخته نشده تلقی می شده است. برای بسیاری (مانند: گیدوئن، 1952؛ 1951 ،CIAM 8) این فضای خالی، محل رویت-پذیری و بهره برداری از شهر است که به آن شکل می دهد و الزاماً نباید یک پارک سبز باشد؛ چراکه به عنوان یک «منظر شهری» در برابر «منظر طبیعی» شناخته شده و پدیده ای انسان ساخت است و نباید با باغهایی که ساختمانها در آن گم می شوند، خلط گردد. شیوه طراحی «**فضای مابین اشیاء**» که توسط عملکردها، قوانین و معانی انباشته می شود ،در آرای بسیاری از نظریه پردازان انتقادی جنبش مدرن مشهود است. کوین لینچ (۱۹۶۳) در تعریفی فضای باز خارجی را فضایی با قابلیت انتخاب آزادانه، محل تحقق فعالیتهای خودجوش، جنبشها و یا مکان جستجوی بصری تعداد کثیری از مردم شهر می داند (Samadhi & Tantayanusorn, 2006). تعریف لینچ به عنوان یک شهرساز منتقد به دو بعد فرم و عمکرد فضای باز توامان توجه می کند. فضای باز در این مفهوم به عنوان فضای محصور شده توسط توده های ساختمانی و عناصر طبیعی تعریف می شود که محوطه های بازی را برای زندگی و یا انجام کارهای مشخص و یا نامشخصی مهیا می نماید و تاثیرات مثبت یا غیرمثبتی بر میزان حس مفید بودن و معنا داشتن به محیط یا افراد پیرامون خود می دهد (Germeraad,1992). در سایر تعاریف فضای باز چه بصورت تلویحی و چه به شکلی صریح توجه به نیازهای فیزیکی و روانشناختی انسانها مورد نظر بوده است. به عنوان مثال، ویلکینسون (۱۹۸۳) فضاهای شهری را دارای شش خصوصیت جامع می داند. شامل: **قابلیت گزینش، برانگیزاننده حس تسلط، متعادل و آرام کننده پویایی انسان، قابلیت ایجاد روابط اجتماعی، حس خودشکوفایی و برقراری ارتباط با طبیعت** (Samadhi & Tantayanusorn, 2006). **و یا کلاوسون عملکردهای فضای باز را شامل شش دسته می داند: تامین نور و تهویه ساختمانها، تامین مناظر بصری شهری، تامین امکانات تفریحی، تامین حفاظت اکولوژیکی، ایجاد ابزار شکل دهی به شهر و ذخیره زمینهای خالی جهت تامین یک یا تعدادی از عملکردها فوق در آینده.**

نمونه های این فضاها می توانند شامل پارکها، شبکه های حمل و نقل، فضاهای اطراف ساختمانها، رودخانه ها و دریاچه ها، حیاطهای پشتی خانه ها و سایر فضاهای باز خصوصی باشند.

در یک دسته بندی کلان تر، تنکل (۱۹۶۳) دو دسته از فضاهای باز شهری را شناسایی می نماید:

(۱) فضاهای باز مورد استفاده که دارای سه عملکرد شامل کاربری (تفریحات، جریان آمد و شد و مانند آن)، چشم انداز و تامین احساسات انسانی (حس خلوت، انزوا و فراخی) هستند و به تناسبات و نیازهای انسانی در هر دو بعد فیزیکی و روانشناختی آن توجه دارند.

(۲) فضاهای باز شکل دهنده که دارای دو عملکرد هستند؛ تامین خدمات شهری (تامین آب مورد نیاز و جلوگیری از سیلاب بواسطه جمع آوری آبهای سطحی و ایجاد منطقه ایمن) و کمک به شکل گیری الگوی توسعه شهری (بوسیله ایجاد فضا میان ساختمانها یا محلات، فضایی برای هدایت توسعه و زمین حفاظت شده برای آینده) (Samadhi & Tantayanusorn, 2006).



نمودار ۴. تفاوتهای مناطق روستایی و شهری؛ ماخذ: نگارنده.

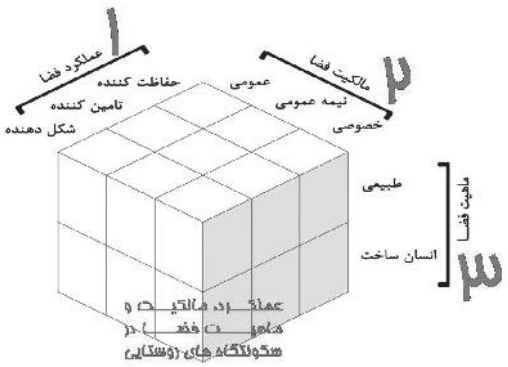
[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]

محققان متعددی درصدد کشف عوامل تأثیرگذار بر ارزیابی فضاهای باز هستند. در این راستا متغیرهای متعدد موثر بر ارزیابی کاربران، مورد بررسی و اکتشاف قرار گرفته است. متغیرهای زیبایی (Amole, 2009b; Hur et al., 2010)، وسعت و ناحیه طبیعی (Amole, 2009b; Hur et al., 2010)، تعامل اجتماعی (Amérigo,Aragonés, 1990; Ge,Hokao, ۲۰۰۶; Amole, 2009b)، ایمنی خدمـــات و تسهیلات (Amérigo,Aragonés, 1990; Ge,Hokao, 2006; Amole, 2009b)، نگهداری (Amérigo,Aragonés, 1990) و آسایش محیطـــی (Thorsson et al., 2004;Gaitani et al., 2007) از جمله مهم‌ترین این متغیرها هستند. اما آنچه در فضاهای باز اهمیت زیادی دارد میزان قابلیت دسترسی عموم مردم بدان است. فضای شهری با بسیاری از سرمایه های عمومی عجین شده است (Geoghegan,2002). اصطلاح «**فضای عمومی**» در بسیاری موارد بجای «**فضای باز**» نیز مورد استفاده است. در ادبیات دانشگاهی فضای عمومی طبیعتی چند بعدی دارد؛ مانند عمومی به مفهوم عام، حوزه عمومی، باورهای عمومی و زندگی عمومی که همگی به تعداد کثیری از مردم، جامعه و کشور اطلاق می شود که در تعامل یا تقابل با حوزه خصوصی قرار می گیرد. محیط شهری حاصل ترکیب فضاهای عمومی و خصوصی است (Madanipour,2003) که در فضای عمومی زندگی عمومی بر خلاف زندگی خصوصی جاری است. با این حال فضاهای عمومی حاصل درجات مختلفی از «عمومی بودن» و «خصوصی بودن» هستند که دارای اهداف عملکردی و نمادین می باشند (Man-deli,2010). در این تعاریف فضای عمومی مکانی است که در آن مقتضیات زندگی خصوصی و همگانی آشکار می گردد. چراکه در زندگی جمعی همواره تعادلی پویا میان فعالیتهای عمومی و خصوصی وجود دارد (Turel et al,2007). از سوی دیگر فضای باز بخشی از محیط شهری است که توسط تسهیلات رفاهی خود چه بصورت بصری بوسیله داشتن تاثیرات مثبت بر منظر شهری و چه بواسطه دسترسی عمومی تاثیرگذار است. فضای باز در این حالت ترکیبی از فضاهای سبز و فضاهای شهری است. واضح است که دسترسی به اشکال مختلف طبیعت از نیازهای بنادین انسانی و بنابراین بخش بسیار ضروری فضاهای باز محسوب می شود(Thompson,2002). توجه به فضاهای سبز در قالب پارکهای عمومی از قرن ۱۸ و ۱۹ میلادی در غرب و در پاسخ به مطالبات اجتماعی به تسهیلات تفریحی و کاهش استرسهای اجتماعی که عامل تهدید کننده نظم اجتماعی و سیستم حکومتی به شمار می روند، مورد توجه بوده است (Maruani & Co-hen,2007). هم اکنون حمایتهای مردمی فراوانی جهت تامین فضاهای باز سبز عمومی در نواحی شهری وجود دارد (Wu & Plantinga,2003) و تاکید روبه رشدی نیز در اهمیت فضاهای باز سبز در سلامت فیزیکی و روانی شهروندان دیده می شود (McConnachie & Shackleton, 2010). همچنین امروزه مفهوم فضای باز با فضای سبز گره خورده است. بنابراین فضاهای باز را می توان بسته به میزان خصوصی و عمومی بودن آنها به فضاهای باز عمومی، فضاهای باز نیمه عمومی و فضاهای باز خصوصی تقسیم نمود. از سوی دیگر فضاهای باز را بسته به نوع عملکرد آن می توان به سه دسته «فضاهای باز تامین کننده» (تفریح و سرگرمی، سلامت شهروندان، ارزشهای زیبایی شناسی- بصری، نیازهای روانشناختی، تنوع فرهنگی و سایر خدمات اجتماعی)، «فضاهای باز حفاظت کننده» (ارزشهای طبیعی و اکوسیستم، تنوع زیستی، خاطرات جمعی) (McConnachie & Shack-leton, 2010; Thompson,2002; Geoghegan, 2002; Maruani & Cohen,2007) و «فضاهای باز شکل دهنده» (شکل دهنده به توسعه شهری، نواحی حومه ای) تقسیم نمود (Samadhi & Wile,1978). مدل پیشنهادی زیر (نمودار شماره ۴) گستره مفاهیم و تعاریف فضای باز شهری را در قالب مکعبی مفهومی معرفی می نماید. این فضاها با توجه به ماهیت طبیعی یا انسان ساخت بودن آنها و بسته به دامنه خدمات رسانی خود در مقیاس فردی- خانوادگی، زیرمحله ای، محلی، منطقه ای، شهری و حتی منطقه ای قابل تعریف بوده و ابعاد و اندازه آنها بر این اساس مشخص می شود.

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]

	نام الگو	توضیحات
۱	الگوی طبیعی	این الگوها در چشم انداز طبیعی موجود می باشند و از جریان انرژی، زمین‌شناسی، طبیعت مواد، فرایند رشد و زوال منتج می‌شوند. این الگوها را می‌توان بر اساس اعداد یا کلمات و بهتر از همه بوسیله ترسیم و نقشه تشریح نمود.
۲	الگوی اجتماعی	الگوهای اجتماعی نتیجه رفتارهای بشوند که مکانی را برای رفع احتیاجاتش به غذا، سرپناه، حمل و نقل، آسایش و امنیت برمی‌گزیند.
۳	الگوی زیبایی‌شناسی	از هندسه، تزئینات، بازتمایی، اسطوره‌سازی، نمادسازی، تمثیل و استعاره‌گویی، تجریدسازی، فلسفه، شعر، موسیقی و داستان سرایی نشأت می‌گیرند. و نتیجه تصورات و تخیلات هنرمند یا تحسین او از زیبایی‌های طبیعت می‌باشند.
۴	الگوی نمونه‌ای	الگوهای سرمشق ترکیب امتحان شده الگوهای قبلی هستند و نمونه‌هایی می‌باشند که از موفق بودن‌شان اطمینان حاصل شده است. جایگاه آنها در طراحی محیط بیرون که هنری متکی بر مکان است، همانند اجزای یک کل است.

جدول ۲. الگوهای طراحی فضاهای باز؛ ماخذ: مظفر و اسدپور، ۱۳۹۳.



نمودار ۵. مدل مفهومی گستره مفاهیم فضای باز؛ ماخذ: نگارنده بر اساس جمعبندی مبانی نظری.

(۳-۳) رویکردهای محیطی معاصر به فضاهای باز در سکونتگاه های انسانی

رویکردهای تشخص داده شده به ترتیب شامل: «رویکرد اقلیمی- محیطی، بهداشتی- سلامتی، حفاظتی- زیست محیطی و برنامه ریزی- مدیریتی» می باشند.

۱- رویکرد اقلیمی- محیطی در فضاهای باز شهری و روستایی

با وجود اینکه توجه به آسایش فیزیکی کاربران در فضاهای بسته داخلی از دهه ۷۰ میلادی با افزایش قیمت حاملهای انرژی در جهان به شدت مورد توجه بوده است، تامین شرایط بهینه آسایشی مردم در فضاهای باز کمتر مورد پژوهش قرار گرفته است. رویکرد اقلیمی- محیطی به بررسی شرایط مناسب محیط مانند نور، تابش، سایه و جریان هوا بر راحتی کاربران فضاهای باز خارجی و عمومی شهر می-پردازد. نقش شرایط مطلوب محیطی بر استفاده از امکانات فیزیکی در پژوهشهای معاصر تائید شده است (Walton et al, 2007). یان گل، معمار و شهرساز دانمارکی، در پژوهشهای خود به تبیین بهترین خصوصیتهای مکانهای عمومی بواسطه محافظت در برابر عوامل منفی اقلیمی و مواجه با عوامل مثبت آن توجه دارد (Nikolopoulou & Lykoudis, 2007). سایمون بل و همکاران (۲۰۰۷) در پژوهشی نقش بادشکنها را در کنترل جریان هوا در فضاهای باز خارجی شهر، شبیه سازی می نمایند (Li et al,2007). علاوه بر عوامل جوی، سنجش تاثیر جنس مصالح بکار رفته در کفسازی فضاهای باز نیز مورد توجه بوده است (Tna & Fwa,1992). از آخرین پژوهشهای انجام شده در این حوزه می توان به تحقیقی در زمینه تاثیر هندسه فضاهای شهری بر آسایش حرارتی و کیفیت هوا در فضاهای باز نام برد که در سال ۲۰۱۱ به چاپ رسیده است (Kruger et al,2011). البته مشابه چنین پژوهشی نیز پیشتر در سال ۲۰۰۶ در نمونه موردی کشور مراکش صورت پذیرفته است. درکنار شرایط اقلیمی، عوامل محیطی نیز به موضوعات مورد توجه تبدیل شده‌اند. تاثیر صوت بر فضاهای باز شهری از این جمله است. کانگ (۲۰۱۰) در پژوهشی به بررسی تفاوتهای موجود میان نظرات طراحان و بهره‌بردان با توجه به مشخصات جمعیت شناسی هر گروه در خصوص اهمیت اصوات طبیعی در فضاهای سبز باز و آستانه-های هر گروه می پردازد (Kang & Zhang, 2010). سالها پیش از او نیز آلودگی صوتی ایجاد شده توسط خطوط راه‌آهن در فضاهای باز مورد بررسی قرار گرفته بود (Mkare-wicsz & Youshida, 1996). علاوه بر این، بخشی از پژوهشها نیز به حوزه مطالعات تطبیقی میان کشورها

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]

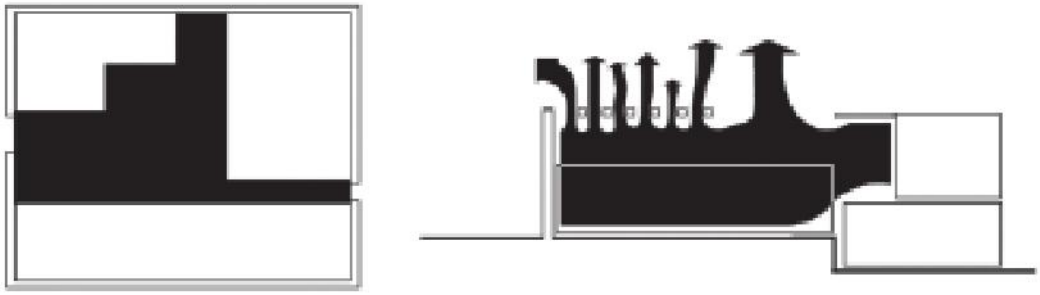
و یا اقلیمهای متفاوت و مقایسه راهکارها و راهبردهای آنها اختصاص دارد.

۲- رویکرد بهداشتی- سلامتی در فضاهای باز شهری و روستایی

فضاهای سبز باز در مجاورت محله ها (مانند پارکها، باغهای عمومی، زمینهای بازی و دهکده های سبز) می توانند امکان پیاده روی سالمندان و فعالیتهای فیزیکی کودکان و جوانان را فراهم آورند. شواهد در حال افزایش فراوانی نقش مثبت محیط را بر میزان فعالیتهای فیزیکی تائید می کنند (Coombes et al,2010). بررسی عوامل تاثیرگذار مانند فاصله، جذابیت و اندازه فضاهای باز شهری در افزایش پیاده روی مردم و نیز تاثیر ویژگی های فضاهای باز محله بر میزان پیاده روی سالمندان (Corti,2005)، موضوع بسیاری از پژوهشهای معاصر است (مانند: Hillsdon et al,2005; Sugiyama & Thompson, Jackson, 2003; 2008). افزایش توجه به مدلهای اکولوژیکی در پژوهشهای مرتبط با فعالیتهای فیزیکی که به بررسی محل وقوع فعالیتها توجه دارد، محققان را به سنجش متغییرهای محیطی و برنامه ریزی بر میزان مشارکت در فعالیتهای فیزیکی سوق داده است. علاوه بر فضاهای باز عمومی، نقش فضاهای باز نیمه عمومی مانند فضاهای باز مهدکودکها و مدارس در تشویق کودکان به بازی و تحرک (Cosco et al, 2010) فراوان مورد ارزیابی قرار گرفته است.

۳- رویکرد حفاظتی- زیست محیطی در فضاهای باز شهری و روستایی

توجه به مسائل اکولوژیکی در فضاهای باز شهری که نخستین بار در کارهای معماران منظر قرن ۱۹ و ۲۰ ماند اُلمستد، الیوت و گدز مطرح شد، هم اکنون با توجه به رشد بی رویه شهرها که پیامدهای گسترده‌ای بر حیات حیوانات و اجتماعات انسانی دارد به موضوع مهمی در پژوهشهای معاصر تبدیل شده است. رویکردهای اکولوژیکی به فضاهای باز شهری بویژه پارکها بر تنوع پوششهای گیاهی متکی است و به مدلهای انعطاف پذیر توجه دارد. محدودیت قابلیت تغییرپذیریِ متناسب با چرخه طبیعی رشد با توجه به اندازه کوچک پارکهای شهری، توجه به موضوعات جدیدتری مانند کانالهای آب، نهرها و خطوط راه آهن را سبب شده است. همچنین تغییرات شدید در منظر طبیعی و سیاستهای ضد مرکزگرایی شهری در کلانشهرها مرکز توجه را به حفاظت از فضاهای باز متمرکز و بدین ترتیب فضاهای باز را به مهمترین موضوع در سیاستهای شهری تبدیل کرده است (Bowman et al,2009; klaiber & Pha-neuf, 2010 ; Anderson & west:2006). سیاستگذاران تلاشهایی برای حفاظت از فضاهای باز با ابزارهایی مانند قوانین منطقه بندی، مالیات بر ساخت و ساز، تعیین محدوده توسعه شهری، تبیین حقوق حفاظتی و کنترل منافع عمومی در زمینهای توسعه یافته، انجام داده اند (Kotchen & Powers,2006). امروزه رویکرد حفاظتی به فضاهای باز شهری شامل جمع آوری و تحلیل داده ها از منابع طبیعی و شناسایی زمینهای با ارزش جهت حفاظت و یا زمینهای مخاطره آمیز جهت توسعه، به عنوان فضای باز است که اغلب توسط توسعه بافتهای مسکونی تهدید می شود. پژوهشهای متعددی به نقش



تصویر ۱. فضای باز پیوسته و متداوم در پلان حاصل باقیمانده فضای میان احجام داخلی و حصار خانه است. در مقطع این فضای باز از تراز همکف به فضای زندگی بام تداوم می یابد تا به آسمان منتهی شود

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]

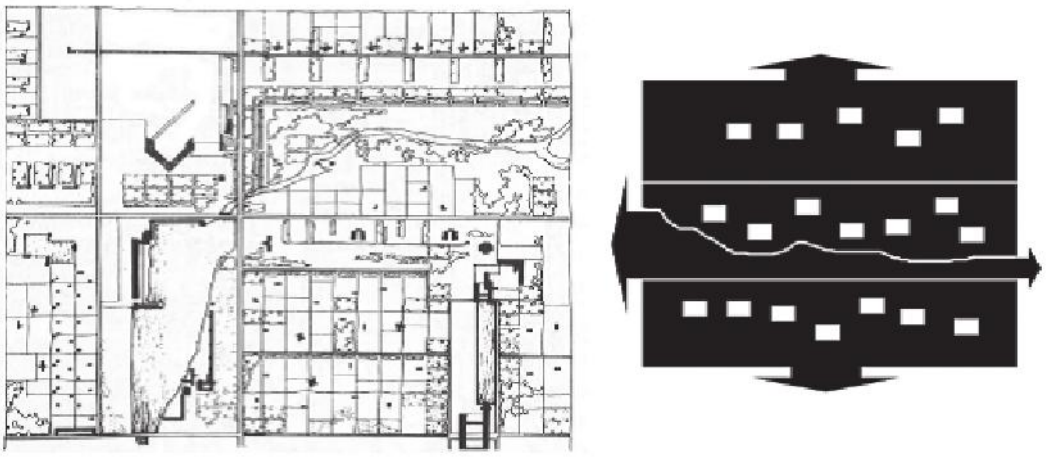
این فضاها در کنترل و یا تشدید توسعه شهری توجه دارند. دیگر پژوهشها به نقش مردم و ساکنین در حفظ فضاهای باز شهری و بویژه فضاهای طبیعی پرداخته‌اند. به عنوان مثال میزان رغبت ساکنین به پرداخت هزینه جهت حفاظت از فضاهای سبز شهری در شهر هنگ کنگ (۲۰۱۰) مورد سنجش قرار گرفته است. نتایج حاصل نشان دهنده تمایل ۸۰% مردم در بازیابی حدود ۲۰% از فضاهای سبز شهری از دست رفته است (Lo & Jim,2010). نمونه های فراوان دیگری نیز در دیگر شهرهای جهان انجام شده است (مانند: Austin,2004; Bengston et al.,2005; Ryan,2002).

۴- رویکرد برنامه ریزی- مدیریتی در فضاهای باز شهری و روستایی

در طول سالها برنامه ریزی در زمینه فضای باز دو رویکرد کلان قابل شناسایی هستند. رویکرد نخست که بیشتر مورد توجه برنامه‌ریزان و جغرافیدانان است متکی بر تامین نیازهای انسانی مانند تفریح، تسهیلات رفاهی و کیفیتهای محیطی است. رویکرد دوم که حاصل نگاه اکولوژیستها و مرمت‌کاران منظر است بر حفاظت از منظر موجود و منابع طبیعی کنونی تاکید دارد (Maruani & Cohen,2007). مدلها و روشهای برنامه‌ریزی متعددی تا کنون مورد استفاده بوده است. تهیه استانداردهای فیزیکی، سرانه‌ها و بررسی سیستمهای سبز (مانند: Hobden et al.2004; Lichtenberg et al,.2007) و شیوه تحقق آنها در طرح‌های توسعه شهری و مدلهای توزیع فضاهای باز در گستره شهر (مانند: Neema & Ohgai,2010; Banzhaf, 2010) و همچنین برنامه‌ریزی و مدیریت سیستم گسترده فضای باز در مناظر طبیعی روستایی نیز از موضوعات مورد توجه در این پژوهشها است. به عنوان مثال تبیین مدل‌های ارتباط فضاهای باز عمومی شهر با فضاهای باز خصوصی در نواحی حومه‌ای بخشی از پژوهشهای این حوزه است (مانند:Grose,2009) و همچنین ترسیم سیاست‌های توسعه شهری ضمن حفظ فضاهای باز (مانند: Bengston et al.,2004; Lewis et al.,2009) و یا نقش فضاهای باز در جلوگیری از حومه‌نشینی (مانند: Wu & Plantinga,2003) از دیگر موارد قابل اشاره هستند.

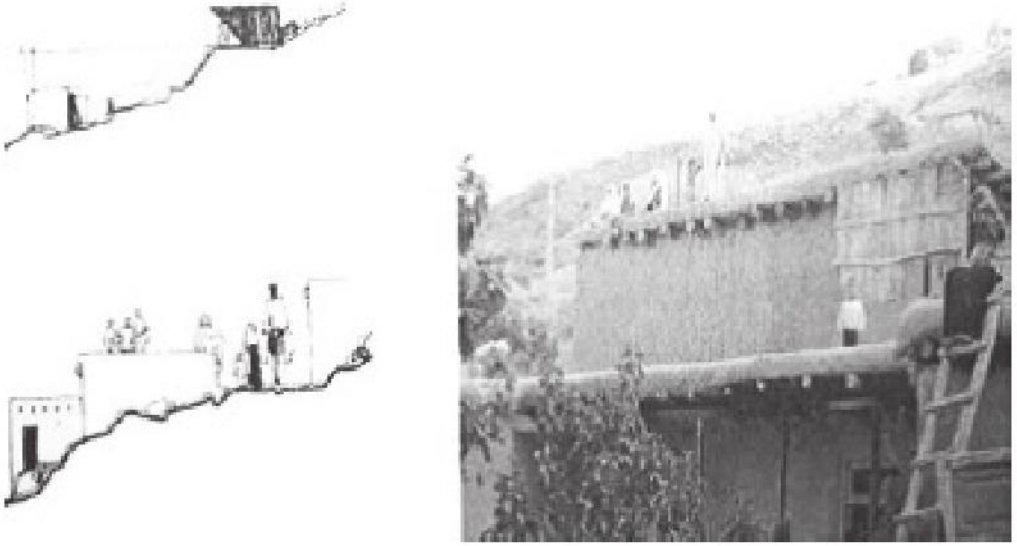
(۳-۴) نسبت فضای باز و بسته در سکونتگاه های روستایی

در روستاها بسیاری از عملکردهای مرتبط با نیازهای زندگی روزمره و معیشت در فضاهای باز مجاور مسکن استقرار یافته اند. وجود عناصر نیمه باز که به عنوان یک مفصل بین فضای باز و بسته عمل می نمایند نیز از دیگر نکات مهم می باشند. موردی که باید به آن اشاره شود ارتقاء نسبت بین فضای باز و بسته از جنبه کالبدی



تصویر ۲. تمامی ساختمانها در طرح رایت توسط فضای باز و سبز وسیع احاطه شده اند (اوستروفسکی،۱۳۸۷ برگرفته از مظفر و اسدپور، ۱۳۹۳).

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]



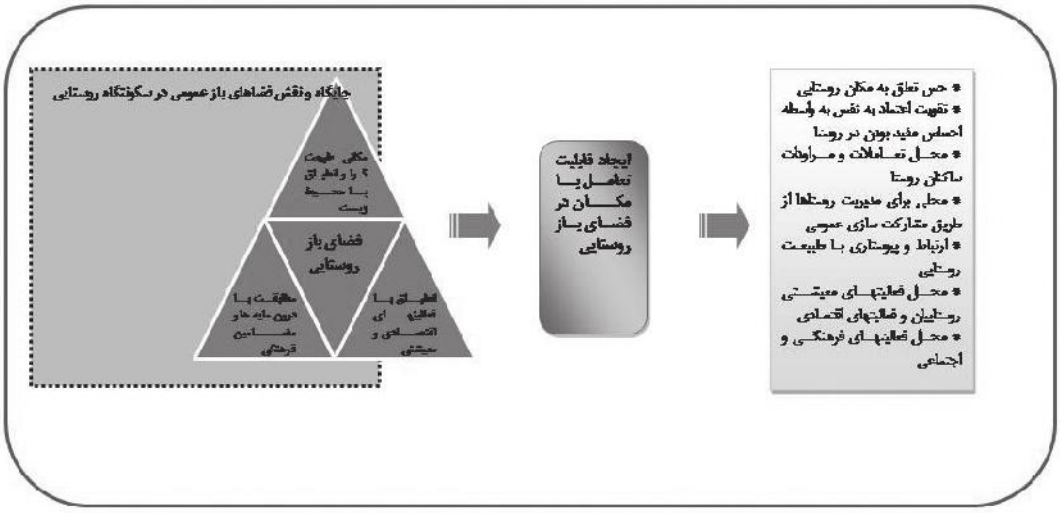
تصویر ۳. کاربست فضاهای باز به عنوان فضاهای جمعی در روستا؛ ماخذ: نگارنده.

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۷ زمستان ۹۳
No.37 Winter 2015

جدول ۳. الگوهای طراحی و توپولوژیک در نمونه های بومی و نوگرا

ردیف			نام کشور	عنوان خانه یا نظریه	الگوی طبیعی	الگوی اجتماعی	الگوی زیبایی‌شناسی	الگوی نمونه‌ای	توضیحات
تجربه‌های بومی- سنتی اسلامی در آسیای شرقی	۱	مالزی	*مالاکا*	●	●	●	●	فضای باز گسترده و پیوسته و بدون مرزهای فیزیکی که توسط مناسبات اجتماعی کنترل و محدود می‌شود
	۲	چین	*تورفان*	●	●	●	●	فضای باز پیوسته حاصل فضای باقی‌مانده از چیدمان احجام داخلی حصار خانه است و در مقطع، این فضای باز از تراز همکف به فضای زندگی در بام تداوم می‌یابد تا به آسمان منتهی شود
	۳	هند	*یوهرا*	●	●	●	●	فضای باز پیوسته، مابین توده فضای داخلی خانه محصور است تا سرانجام به آسمان منتهی شود.
تجربه‌های بومی- سنتی اسلامی در آسیای میانه	۱	ازبکستان	*بخارا*	●	●	●	●	فضای باز، مابین توده فضای داخلی خانه محصور است و هرچند به طور کامل باقی‌مانده چیدمان احجام داخلی حصار خانه نیست ولی هندسه آن بواسطه عناصر پیرامونی‌اش تحدید می‌شود.
	۲	ایران	*یزد*	●	●	●	●	فضای باز منقطع و متفاوت، باقیمانده احجام توپر نیست بلکه خود جداگانه به عنوان یک عنصر طراحی می‌شود و در درون حجم کلی خانه قرار دارد.
	۳	عربستان	*جده*	●	●	●	●	فضای باز تنها در آخرین تراز وجود دارد. در پلان فضای باز، باقی‌مانده فضاهای پر ثلثی می‌شود که واجد خصوصیات فضاهای باز و مابین نیست.
نظریه‌های شهرسازی نوگرا در غرب	۱	اسپانیا	*شهر خطی*	–	●	–	●	فضای باز با محدوده مالکیت قانونی زمین توسط مالک مشخص می‌گردد و صرفاً خانه را احاطه می‌نماید. خانه به لحاظ توپولوژیک در درون آن قرار دارد.
	۲	انگلستان	*باغ‌شهر*	–	●	–	●	فضای باز پیوسته و مشترک برای چند خانه و مابین آنها تعریف می‌شود و فاقد مرزهای خصوصی است.
	۳	فرانسه	*شهر صنعتی*	–	●	●	●	فضای باز گسترده همچون ظرفی خانه‌ها را در خود جای می‌دهد و بدون مرز فیزیکی پیوستگی داشته و تداوم می‌یابد.
	۴	فرانسه	*شهردرخشان*	–	●	●	●	فضای باز بصورت گسترده، پیوسته و سیال در میان برج‌های اداری است و فضای مابین نیز میان اضلاع ساختمان‌های دندانه‌ای شکل و کم ارتفاع مسکونی تعریف می‌شود.
	۵	آمریکا	*شهرپهندشتی*	●	●	●	●	فضای باز، گسترده و پیوسته است و احجام معماری را در بر می‌گیرد

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]



نمودار ۵. جایگاه فضاهای باز در سکونتگاه های روستایی؛ مأخذ: نگارندگان.

به جنبه های عملکردی و بنیادی می باشد. در برخی پهنه ها نسبت بین دو فضا کاملاً دارای وجهی کاربردی بوده و جنبه فرمال و کالبدی آن دارای وجهی تبعی می باشد.

(۴) بیان یافته های تحقیق

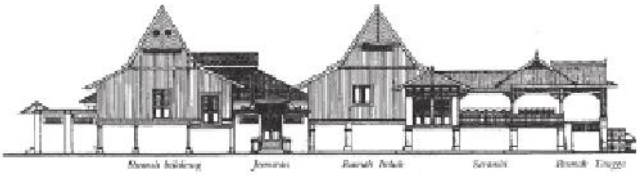
(۴-۱) بازشناسی نسبت بین فضای باز و بسته در طراحی مسکن روستایی

زمانی که کل طراحی معطوف به فضای بسته گردد به این معنا است که بخشی تفکیک ناپذیر از یک ارگانیسم را از شبکه ارتباطی متقابل عناصر تشکیل دهنده آن حذف کرده و به نوعی آنرا متلاشی نمائیم. به نظر می رسد به دو دلیل این استحاله درک نمی شود:

۱. اول: استحاله فرهنگی در روستاها و رنگ باختگی بسیاری از جنبه های ارزشمند مرتبط با آن به دلیل سیطره پارادایم های متاثر از زندگی شهری؛

۲. دوم: از میان رفتن شیوه های معیشتی زندگی روستائی؛ به عنوان مثال زمانی که روستائی ماست و لبنیات خود را از شهر تهیه می کند، دیگر وجود عناصر مرتبط با فرآوری شیر و حوزه های فضایی مرتبط با آن موضوعیت خود را از دست می دهد.

در رابطه با موارد فوق الذکر، شاید مجدداً بتوان به شکلی کلی به نظریه **قطع ساختی** ارجاع داده و از آن کمک گرفت. فضای باز و نسبت آن با فضای بسته اگر چه ممکن است از نظر متکلمین به زبان دیگر در اقلیم های مختلف یگانه باشد، ولی با نگاهی عمیق تر تفاوت هایی بنیادی را می توان دریافت. عدم توجه به این تفاوتها از



تصویر ۱: نمای خانه ای از گونه مالاکا با ستون های برآمده از زمین در جنوب مالزی (Wardi Sudin,1987)



تصویر ۲: شیوه ساماندهی فضاهای باز و مابین (سطوح سیاه رنگ) در سطح افقی (پلان) و در تراز عمودی (نما) (ماخذ تمامی تحلیل ها از نگارندگان است).

تصویر ۳. شیوه سازماندهی فضای باز در سکونتگاه روستایی مالاکا؛ ماخذ: مظفر و اسدپور، ۱۳۹۳.

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]

یکسو و از سوی دیگر تفاوت های بنیادی و ساختاری مجموعه آنها با مقولات شهری بسیار مهم بوده و می تواند به استحاله پارادیم های مرتبط با زندگی روستائی و شیوه معیشت آن منجر شود.

(۴-۲) نحو و ساختار طراحی فضاهای باز در طراحی مسکن روستایی

در رابطه با **نحوه و ساختار آن در طراحی سکونتگاه های روستایی بطور اعم و فضاهای باز روستایی بطور اخص**، باید گفت که در نظم فضایی و نظم ساختاری مفاهیم را تنها به شکل ذهنی می توان تفکیک کرد. مفاهیم به صورت نمادی از طریق علایم، رنگ ها، فرم و منظر بیان می شود. **در روستاهای سنتی، نظم مفاهیم تطابق تقریباً کاملی با نظم فضایی دارد.** در مجتمع های زیستی و روستاهای مدرن نظم مفاهیم به صورت سیستم نمادی مستقلی برای بیان موقعیت های اجتماعی درآمده و از نظم فضایی فاصله گرفته است. ارتباط نظم داده شده، کنترل روابط میان انسان و انسان، انسان و اشیا، اشیا و اشیا است. این عامل نیز با دو عامل قبل هماهنگ است؛ به طوری که ارتباط میان محیط و انسانها از طریق مفاهیم صورت می گیرد. محیط زیست روستاها قادر است با به کارگیری نظم فضایی و مفهومی بر نظام ارتباطات تأثیر گذارد. نظام فضایی روستاها منطبق بر نظام مفاهیم می تواند ماهیت، جهت و حجم ارتباطات را تعریف و کنترل کند. زمان ممکن است به دو معنی درک شود؛ نخست زمان در مقیاس وسیع مانند زمان طولی یا دورانی و دوم آهنگ فعالیت های انسانی. از سوی دیگر سرعت وقوع فعالیت ها در واحد زمان و نحوه توزیع آنها در طول زمان، برداشت دوم از نظم زمانی را آشکار می کند.

باید گفت که «معماری زمینه گرا خاصه در مناطق بومی و روستایی»، تلاشی برای نشان دادن توان ایجاد محیط مطلوب بصری در مقیاسی کلانتر از معماری است. پیام آن ضرورت توجه به محیط کالبدی پیرامون معماری روستا با تاکید بر مولفه های فرهنگی- اجتماعی و زیست محیطی است و نشان می دهد که این توجه میتواند هم برای خود اثر معماری و هم برای زمینه عاملی مثبت و تقویت کننده باشد. زمینه گرایی، سازگاری با زمینه کالبدی، تاریخی و اجتماعی- فرهنگی است که بر طبق آن ایده ها و اشکال گذشته در شکل دادن به کالبد روستاهای معاصر حضور دارند. درک ویژگی های مکان و استفاده از آنها در فرایند طراحی فضاهای باز روستایی بطور اخص و روستا بطور اعم، در ایجاد محیطی با تداوم بصری مناسب لازم است. به طور کلی در طراحی متناسب باز زمینه باید به شکل کل از قبل موجود، به میزان و نظم رابطه اجزای روستا در طول زمان؛ و به معانی، ارزشها و اهداف مشترک، توجه داشت. اما انسان همواره در سیر تاریخی خود با دو منبع عدم قطعیت روبرو بوده است: طبیعت و جامعه.

برای بدست آوردن یک برآوردی از نیروهای طبیعی و مهار آنها تا جای امکان و قرار دادن آن در چارچوب های مکان برای کنترل نیروهای اجتماعی ضروری ترین نگرانی های سکونتگاه های شهری است. تکنولوژی به عنوان یکی از وجوه اصلی معماری باید در سیری تدریجی و تداومی همراه با معماری، فرهنگ و شرایط اجتماعی و اقتصادی رشد نموده و به صورتی ذوب شده در معماری به کار گرفته شود. پس به روشنی میتوان گفت که آن معماری ای که توانایی تداوم حیات و رفع نمودن نیازهای انسانی را دارد که بتواند با شرایط نوین خود را تطبیق دهد و متناسب با مناسبات نوین اجتماعی در سطوح گوناگون خصوصی، نیمه خصوصی- عمومی نه تنها کالبدهای جدید ارائه دهد، بلکه خود پیشرو در ارائه کالبدهای نوین برای ایجاد روابط نوین اجتماعی و دگرگونی های اجتماعی باشد.

همچنین در رابطه با استحاله فرهنگ در مناطق روستایی و تاثیرگذاری آن بر فضاهای باز در روستاها می توان به نتایج تحقیق در قالب جدول ۴ اشاره کرد.

در پایان باید گفت که مقوله فرهنگ خاصه در مناطق روستایی مقوله ای پیچیده و در عین حال غامض است که درک آن بدون شناخت مولفه ها و متغیرهای مرتبط با آن قدری مشکل و تاحدودی ناممکن بنظر می رسد. در این پژوهش و در انتها برای ارتباط و تعامل سازنده فرهنگ و معماری روستاها خاصه در مناطق باز و

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]

جدول ۲. ابعاد محوری هر یک از رویکردهای معاصر به جایگاه و نقش فضاهای باز در سکونتگاه های انسانی؛ ماخذ: یافته های تحقیق.

نوع رویکرد؛ ابعاد مفهومی فضای باز	عملکرد فضا			مالکیت فضا			ماهیت فضا		برخی پژوهشگران یک دهه اخیر
	تامین کننده	حفاظت کننده	شکل دهنده	عمومی	نیمه عمومی	خصوصی	طبیعی	انسان ساخت	
اقلیمی - محیطی	×	–	–	×	×	–	×	×	Li et al.(2007), Nikolopoulou et al.(2006, 2007), Yang & Kang(2005), Kang & Zhang(2010), Chen et al.(2008), Yu & Kang(2010), Kruger & Givoni(2007), Johansson(2006), Shahian et al.(2010), Tadeu et al.(2001), Coronel & Alvarez(2001), Chun & Tamura(2005), Georgi & Dimitriou(2010), Etzion et al.(2001), Boykoff & Goodman(2009), Hader et al.(2009), Matsuura et al.(2009), Parot(2008), Capeluto(2005), Corbella & Magalhaes(2008), Pressman(1996), Bu et al.(2010), Giridharan et al.(2004), Solecki et al.(2005), Gulyas et al.(2006)
بهداشتی - سلامتی	×	–	–	×	×	–	×	×	Sugiyama & Thompson(2008), Timperio et al.(2007), Sommerfelt et al.(2006), Hillsdon et al.(2006), Brocklehurst et al.(2005), Johansen et al.(2005), Jackson(2003), Corti & Donovan(2002), Gal et al.(2008), Harlan et al.(2006), Hall & Kearns(2001), Cerin & Leslie(2008), Guite et al.(2006), Mason(2010),
برنامه ریزی - مدیریتی	×	×	×	×	×	–	×	×	Grose(2009), Bengston et al.(2004), Wu & Plantinga(2003), Tang & Wong(2008), Broussard et al.(2008), Maruani & Cohen(2007), Hobden et al.(2004), Kotchen & Powers(2006), Neema & Ohgai(2010), Zhang et al.(2008), Lewis et al.(2009), Amir & Rechtman(2006), Banzhaf(2010), Sims & Schuetz(2009), Caruso et al.(2007), Jim & Chen(2003), Frenkel(2004), Orenstein & Hamburg(2009), Connell(2005), Kline & Alig(2005), Regan et al.(2006), Irwin & Bockstael(2004), Arendt(2004), Ghaemi et al.(2009), Kaploeitz et al.(2008), Kuhn(2003), Stoms et al.(2009), David(2009), Jones(2007), Buijs(2009), Frischenbruder & Pellegrino(2006), Chiou et al.(2010), Henger & Bizer(2010), Cho(2002), York & Munroe(2010), Li et al.(2007), Noth et al.(2003), Hidding & Teunissen(2002),
حفاظتی زیست محیطی	×	×	–	×	–	–	×	–	Nelson et al.(2007), Bowman et al.(2009), Koomen et al.(2008), Dijk & Wulp(2010), Lo & Jim(2010), Taylor et al.(2007), Orr & Pickens(2003), Hess & King(2002), Austin(2004), Toth et al.(2009), Mitsova et al.(2010), Rubino & Hess(2003), Ruliffson et al.(2003), Maruani & Cohen(2010), Oxbrought et al.(2006), Gittings et al.(2006), Cooper(2002), Bengston et al.(2005), Mutersbaugh(2005), Freestone & Nichols(2004), Ryan(2002), Adams et al.(2009), Russell & MacBride(2003), Vejre et al.(2010), White(2009), Maruani & Cohen(2009), Askins(2009), Glantz & Hilpert(2007), Haaren & Reich(2006), Bark et al.(2009), Bowman & Thompson(2009), Beardsley et al.(2009)

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]

جدول ۳. رویکردهای زمینه گرای طراحی فضاهای باز در معماری زمینه گرای مناطق روستایی؛ ماخذ: نگارنده.

رویکرد طراحی فضاهای باز روستایی	وحدت گرا	کل‌گرا	سازمندگرا	زیبایی‌گرا	ساختارگرا	زمینه‌گرا
مبانی کلیت و انسجام	همگرایی اجزاء متکثر برای پیوستن به کل بستر روستا	اهمیت کل به عنوان منشاء شکل گیری اجزاء بستر روستا	گرایش اجزاء به هنگام شکل گیری برای وابستگی با نظام آفرینش	تاثیر مثبت بصری اجزاء بر یکدیگر در بستر روستا	همگرایی فضایی میان اجزاء و کل در بستر روستا	همگرایی اجزاء با ارزش های تاریخی و فرهنگ جمعی
عامل تعیین کننده کلیت و انسجام	کشف روابط در نظام آفرینش به عنوان نمودی از وحدت وجود	تبعیت از روابط حاکم بر کل	همگرایی با روندهای طبیعت در بستر روستا	هماهنگی و تناسب اجزاء	عناصر فضایی و امکانات ترکیبی آنها در یک محدوده خاص بستر روستا	همخوانی با زمینه کالبدی، تاریخی، اجتماعی، فرهنگی
روش شناسی	روش شهودی بر مبنای دریافت وحدت حقیقی	روش شهودی بر مبنای دریافت نظم نهفته در نظام آفرینش	روش شهودی بر مبنای دریافت روند های طبیعت در بستر روستا	روش مطالعه تاریخی بر مبنای استخراج اصول و قواعد گذشته	روش مطالعه تاریخی، مشاهده و مصاحبه برای دریافت ساختار ذهنی و عینی	روش مطالعه تاریخی، مشاهده و مصاحبه عمیق بر مبنای دریافت معنی
هدف از کلیت	ایجاد کل به عنوان نمادی از وحدانیت	ایجاد کل یکپارچه با نظمی در هم نفوذ یافته در بستر روستا	ایجاد کل هدفمند و سازگار با روندهای طبیعت در بستر روستا	ایجاد کل آراسته و هماهنگ در بستر روستا	ایجاد کل از نظر فضایی به هم پیوسته و خوانا در بستر روستا	ایجاد کل معنی دار

رسیدن به جایگاه ارزنده برای مطالعات شناخت شناسانه اجتماعی در طراحی سکونتگاه های روستایی به چند نکته اشاره می شود:

۱. «ضرورت شکل دهی سازماندهی اجتماعی فضا در مناطق روستایی»: ساختار اجتماعی و فرهنگی هر جامعه به دلیل ماهیت وجودی خود در بستر زمان، دچار تغییر، دگرگونی و حتی تحول است. بدین‌سان مشاهده‌ی تغییرات در فضاها و معماری روستایی، در پی دگرگونی هنجارهای اجتماعی، امری طبیعی است که متعاقب آن در سیمای روستاها و به خصوص در کالبد و معماری آن تحولاتی بوجود آمده است. از آنجا که تمدن به‌یکباره به وقوع نپیوسته و ظهور آن تدریجی است؛ بنابراین کالبد زیستی، محل تجلّی حیات مدنی است و نیازمند تداوم این حیات نیز خواهد بود. لذا برای تحقق این تداوم نیازمندی به سازماندهی اجتماعی امری ضروری به نظر می رسد.

۲. «ضوابط و دستورالعمل های طراحی معماری سکونتگاه های روستایی»: گفته شد که دگرگونی‌ها و استحاله های فرهنگی و اجتماعی، نیازهای جدیدی را در کالبد بنای مسکونی متولد کرده‌اند که امروزه برای زندگی مناسب در جامعه ناگزیر از پاسخگویی به این نیازها خواهیم بود؛ چنانچه در ارایه ضوابط برای طراحی روستاها در زمان کنونی، به خواسته‌های جدید زندگی که برگرفته از تحول اجتماعی در فضاها و معماری اقوام خاص توجه کافی مبذول گردد، مسکن بومی و فضای باز و معماری حاکم بر آن از کارایی مناسب بهره‌مند می گردد.

۳. «ضوابط و دستورالعمل های ساخت و اجرا»: لزوم درنظرگیری الگوهای بومی ساخت مسکن که مبتنی بر آداب و رسوم اجتماعی ساخت مسکن در مناطق مختلف کشور است، می توان انتظار داشت تا بیشینه انطباق مسکن و نیازهای فرهنگی- اجتماعی مردم فراهم گردد؛ لذا ضرورت تدوین ضوابط و دستورالعملهای ساخت مسکن در روستاهای کشور امری ضروری بنظر می رسد.

۴. «شناسایی کارکرد مفهوم مسکن در قومیت ها و مقوله مسکن بومی»: بدین منظور شناخت کارکرد اجزای واحد مسکونی در پی گونه‌شناسی فضاهای باز و تحلیل ویژگی‌های کاربردی آنها در مناطق مختلف و در زمان‌های گذشته و حال، لازم است و باید با وثوق و علم

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]

جدول ۴. تحلیل و ارزیابی بافت اجتماعی تاثیرگذار بر شکل گیری فضاهای باز در مناطق روستایی؛ ماخذ: نگارنده.

ارکان اجتماعی	جوامع سنتی روستایی	جوامع مدرن روستایی
الگوهای فرهنگی در روستا		
ارزش‌ها	همگن؛ ویژگی مذهبی؛ خرده‌فرهنگ‌ها و تقابلِ فرهنگیِ اندک در روستا	نامتجانس؛ تقابل فرهنگی زیاد بر اثر تاثیرات تعاملات و مواجهات فرهنگی و جهانی‌شدن در عصر اطلاعات در روستا
هنجارها	مظاهر اخلاقیِ والا؛ تحمل اختلافات اندک	مظاهر اخلاقی متغیر؛ تحمل اختلافات زیاد
موقعیت زمانی	زمان حال در ادامه گذشته اقوام بومی	زمان حال متصل به آینده (نامعلوم) اقوام بومی
تکنولوژی	پیش‌صنعتی؛ نیروی انسانی و حیوانی در روستا	صنعتی؛ منابع انرژی بیشتر در روستا
ساختار اجتماعی		
وضعیت و نقش اجتماعی	وضعیت‌های اجتماعی محدود؛ اغلب انتسابی؛ وظایف تخصصی محدود در روستا	وضعیت‌های اجتماعی متعدد؛ برخی انتسابی و برخی استحصالی؛ وظایف تخصصی زیاد در روستا
خویشاوندی	نمونه ابتدایی؛ حریم خصوصی و خلوتِ ضعیف در روستا	نمونه ثانوی؛ حریم خصوصی و خلوتِ متنابه در روستا
ارتباطات	چهره به چهره در روستا	ارتباط چهره به چهره مکمل با وسایل ارتباط جمعی در روستا
نظارت اجتماعی	شایعات بی اساس غیررسمی در روستا	پلیس رسمی و سیستم قانونی در روستا
طبقه بندی اجتماعی	الگوهای نابرابری اجتماعی مقاوم؛ انعطاف اندک در روستا	الگوهای شناور نابربری اجتماعی؛ انعطاف قابل توجه در روستا
الگوهای جنسی	پدرسالاری محتوم؛ زنان در میان خانه زندگی می‌کنند	کاهش پدرسالاری؛ کاهش تعداد زنان در نیروی کاری درآمدزا
اقتصاد	اقتصاد مبتنی بر کشاورزی؛ تولید ارزان در منزل؛ کار اداری اندک	کاهش کشاورزی؛ و مهاجرت برای کار
خانواده	خانواده گسترده به مفهوم اولیه اجتماع و تولید اقتصادی	خانواده هسته‌ای به عنوان بخشی از اجتماع و بیشتر مصرف‌گرا
مذهب	جهانبینی مذهبی؛ ضعف در تجمیع مذاهب	تضعیف مذهب توسط رشد علم؛ تجمع قابل توجه مذاهب
تحصیل	تحصیل رسمی محدود برای افراد خاص	تحصیلات ابتدایی همگانی همراه با رشد تحصیلات پیشرفته
سلامت	زاد و ولد و مرگ و میر زیاد؛ سن امید به زندگی پایین به دلیل پایین بودن استانداردهای زندگی و تکنولوژی درمان ابتدایی	زاد و ولد و مرگ و میر اندک؛ سن امید به زندگی بالا به دلیل ارتقای استانداردهای زندگی و تکنولوژی درمانی گمراه کننده
الگوهای استقرار	مقیاس کوچک؛ گروه جمعیتی کوچک و عمدتاً توضیع شده در روستاها و شهرهای کوچک	مقیاس بزرگ؛ گروه جمعیتی بزرگ و متمرکز شده در شهرها
تغییرات اجتماعی	آهسته؛ ظهور در طی بیش از چند نسل	سریع؛ ظهور طی یک نسل

به نیازهای جدید اجتماعی و فرهنگی نسل حاضر، ارایه ضوابطی که منطبق بر دیگر نیازهای موثر در شکل‌یابی مسکن بومی و فضاهای باز باشد؛ با علم به گریزناپذیری تغییرات اجتماعی و فرهنگی جامعه‌ای که برای آن طراحی می‌کنند، صورت پذیرد.

۵. «التزام انجام پژوهشها و مطالعات فرهنگی کارآمد در مقوله طراحی فضاهای روستایی»: درنظرگرفتن نحوه تعامل سازنده معماری و فرهنگ و چگونگی ارتباط پذیری آنها با یکدیگر که باید در راستای بسط و گسترش و یا به عبارت بهتر، استعلای مولفه های فرهنگی- اجتماعی و مولفه های طراحی معماری روستایی باشد، از مهمترین مواردی است که انتظار می رود در پژوهشها و مطاعات فرهنگی و در حوزه معماری مورد توجه بیشتری باشد؛ چنانچه امروزه درصد اندکی از مطالعات حوزه معماری به بررسی مولفه ها و متغیرهای فرهنگی وارد بر، یا دخیل در، معماری مربوط می شود. برای تحقق این هدف، گونه‌شناسی فضاهای باز و نقد و تحلیل اجزا و عناصر به لحاظ کاربرد آنها از جنبه‌های گوناگون، در هر منطقه حایز اهمیت ویژه‌ای است که باید مولفه های طراحی بر اساس نیازسنجی و مطلوبیت سنجی واحدهای مسکونی برای افراد ساکن باشد.

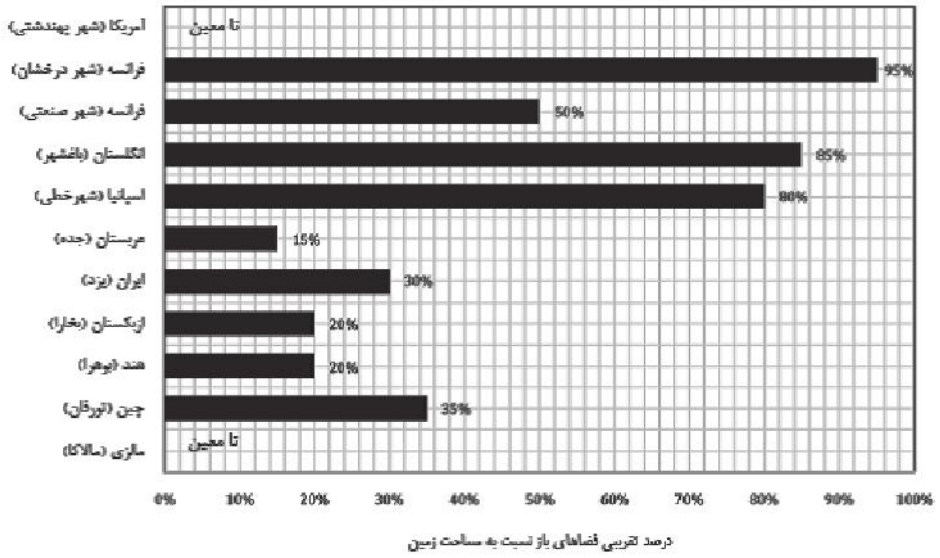
نتیجه گیری و جمعبندی

شکل گیری مسکن و ارتباط آن با فضاهای باز و بسته، متأثر از ویژگی های محیط انسانی و محیط طبیعی می باشد و تعامل و تفاوت بین این ویژگیها، گونه های مختلف مسکن را پدید آورده است، به بیانی دیگر

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]

جدول ۵. مقایسه ویژگیهای کلی فضاهای باز در نمونه های معماری بومی اسلامی و نظریّه های نوگرا؛ ماخذ: مظفر و اسدپور، ۱۳۹۳.

نام کشور یا نظریه / نوع و محل فضای باز	مالزی	چین	هند	ازبکستان	ایران	عربستان	شهرخطی	باغشهر	شهر صنعتی	شهر درخشان	شهر بهداشتی
دارای مرز فیزیکی	–	●	●	●	●	●	●	–	–	–	–
پیوسته و بدون مرز فیزیکی	●	–	–	–	–	–	–	●	●	●	●
محصور و باقی مانده احجام کالبدی	–	●	●	●	–	●	●	–	–	–	–
محصور و به مثابه عنصر طراحی شده	–	–	–	–	●	–	–	–	–	–	–
استقرار در تراز همکف	●	●	–	●	●	●	●	●	●	●	●
استقرار در تراز بام	–	●	●	–	–	●	–	–	–	–	–



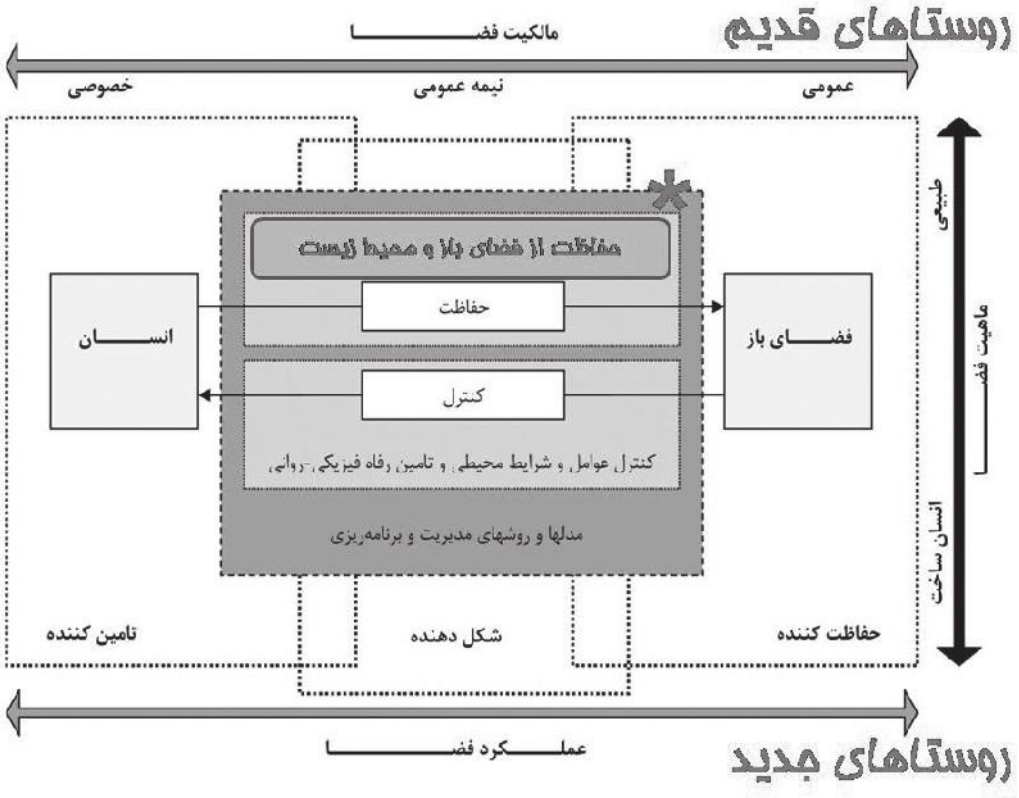
گونه های مسکن بیانگر تداخل عوامل پیچیده و پرشمار، کنش و واکنشهای متقابل آنهاست. ترکیب بندی فضای باز و بسته در سکونتگاههای بومی روستایی از نظام خاصی تبعیت می کند و تلفیق این دو فضا حاکی از سازماندهی آگاهانه و هوشمندانه آن بوده است. شکل این فضاها به همان اندازه که متأثر از عوامل طبیعی است از ساختارهای ذهنی و اجتماعی بشر نیز تأثیر پذیرفته است و در جهت پاسخ گویی به عوامل مختلف اقلیمی، اجتماعی و فرهنگی موجود در روستا نقش مکمل را ایفا می نماید. بنابراین، ترکیب فضای باز و بسته را از نظر عوامل شکل دهنده خاصه در مناطق روستایی در حال استحاله را نمی توان به یک عامل نسبت داد و یا به طور مجزا بررسی نمود، زیرا کُنش هایی که مابین عوامل متعدد در شکل گیری فضای باز و بسته رخ می دهد، در اثر پیچیدگی هایی است که در رابطه با تعامل و تقابل میان آنها وجود دارد. این ترکیب به بسیاری از نیازهای ساکنین اعم از مادی و معنوی مانند تفکیک محدوده خصوصی و عمومی، محرمیت، امنیت، آسایش اقلیمی، روابط اجتماعی و همسایگی و ... به طور همزمان پاسخ می دهد و همچنین با توجه به موقعیت مکانی و

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۷ زمستان ۹۳
No.37 Winter 2015

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]

زمانی و عملکردی بنا، تأثیر یک عامل به عامل دیگر بارزتر و یا کم‌رنگ‌تر می باشد. در بسیاری از موارد به دلیل جاذبه‌هایی که ساخت وسازهای مشابه الگوهای شهر برای روستائیان داشته و منفی انگاشته‌شدن راه حل‌های بومی به دلیل تبلیغات منفی (به عنوان مثال الگوی کپر و کپرنشینی) باید با توضیح و فرهنگ سازی ارزشهای سنتی مرتبط با مسکن بومی را مجدداً احیاء کرد. از سویی دیگر، فضای باز از حیث وجودی عنصری مهم و از حیث ماهیتی، موضوعی پیچیده است. **نتایج حاصل از این تحقیق بیانگر جامعیت بیشتر مفاهیم برنامه‌ریزی- مدیریتی و سپس حفاظتی زیست‌محیطی در فضاهای باز است که اغلب از محدوده فضاهای داخلی شهر فراتر رفته و نواحی حومه‌ای و حتی روستایی را نیز شامل می‌شود.** روشها، مدلها و تاثیرات هر یک از شیوه‌های مدیریتی و برنامه ریزی شهری- منطقه‌ای بر تامین نقشهای کلیدی فضاهای باز و مهمتر از همه نقش حفاظت کنندگی از اولویتهای معاصر است. همزمان توجه وافری نیز به شیوه تنظیم شرایط محیطی توسط فضاهای باز و تاثیرات روحی، حسی- روانی تعامل انسان با چنین فضاهایی دیده می‌شود. نسبت انسان- فضای باز، با رویکرد حفاظت همراه است و نسبت فضای باز- انسان با رویکرد کنترل توام می‌باشد. مدلها و رویکردهای برنامه‌ریزی- مدیریتی، جایگاه و ماهیت میانه‌ای در این مدل دارند چراکه علاوه بر قابلیت شکل دهندگی ذاتی خود، همواره در بخشهای تامین کنندگی و حفاظت کنندگی نیز حایز توجه هستند.

بایستی توجه داشت که فرهنگها خاصه در روستاها در



نمودار ۵. مدل مفاهیم پایه در رویکردهای غالب معاصر در پژوهشهای فضای باز (همانگونه که در مدل ارائه شده آمده است، می توان دریافت که در مناطق روستایی قدیمی در برابر روستاهای جدید در حال استحاله، چون ماهیت طبیعی فضا بیشتر است، پس حفاظت از فضاهای باز و توجه به مسائل زیست محیطی اهمیت بیشتری داشته و موضوعیت کنترل و نظارت بر این مناطق اهمیتی دوچندان پیدا می کند)؛ ماخذ: یافته های تحقیق.

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]

شرایط معاصر ایستا نیستند و در طول زمان تحول پیدا می کنند. این تحولات در عصر جهانی شدن اقتصاد و اطلاعات تسریع شده است. هنگامی که تحولات فرهنگی و اجتماعی در زمانی کوتاه شدید و خارج از کنترل باشد، کالبد شهر که ماهیتاً دارای تغییرات کند است قادر نیست در همان بازه زمانی با این تحولات منطبق شود و نابسامانی های شهری در همین شرایط است که به ظهور می رسد. در واقع چنین شرایطی فاصله میان عینیت (کالبد فیزیکی) و ذهنیت (نهفته های اجتماعی و انتظارات جامعه) بیشتر و بیشتر شده و بین خواست و ذهنیت جامعه از محیط مطلوب و عینیت کالبدی فاصله زیادی ایجاد می شود و محیط کالبدی دیگر پاسخگوی انتظارات ذهنی گوناگون افراد نخواهد بود. در شرایط اجتماعی منسجم که دارای سنت و عرف تثبیت شده بوسیله نظارت اجتماعی می باشد، نیاز به اعمال ضوابط و قوانین متعدد و کنترلهای ریزپردازانه به حداقل می رسد و تغییرات اجتماعی نیز تغییرات کالبدی را به دنبال خود خواهد آورد. اما در جوامعی که این هماهنگی و همزمانی وجود ندارد کالبد شهر پاسخگوی نیازهای اجتماعی نخواهد بود و در نتیجه نیاز به اصول و معیارهایی که بتواند محیط منسجمی به وجود آورد بسیار بیشتر احساس می شود. در چنین وضعیتی است که بایستی از سایر سیاست های ممکن استفاده کرد تا فرایند ایجاد این هماهنگی را تسریع ببخشند. در چنین وضعیتی دیگر فرهنگ و سنت و عرف پاسخگو نبوده و طراحی شهری ناگزیر است از راهکارهای دیگری برای سامان دادن به محیط کالبدی شهر بهره جوید. در چنین شرایطی مهم ترین مسئله ترکیب ساختمانها با یکدیگر است.

در پایان باید گفت که راه حل های بومی مرتبط باسازماندهی فضای باز درخشان ترین الگوها برای پاسخ دهی به مسائل اقلیمی و معیشتی بوده و در پس ظاهر نه چندان مطلوب آنها می توان محتوای بسیار ارزنده‌ای را که تبلور قرنها تجربه است، مشاهده نمود؛ به همین دلیل باید با باززنده سازی عناصر محتوایی آنها به شکلی امروزی این شیوه ها را هم چنان زنده نگاه داشت.

در انتها پیشنهاد می‌شود در راستای انجام مطالعات بهینه و مناسب در زمینه هماهنگ‌سازی تاثرات اجتماعی- فرهنگی و طراحی مسکن روستایی با تاکید بر فضاهای باز روستایی در ایران و کارآمدسازی تدوین طرح های پژوهشی و رویه اجرایی حاکم بر آن از نمودار صفحه بعد به عنوان الگوی فرآیندی استفاده گردد.

منابع و ماخذ

(۱) اردلان، نادر و لاله، بختیار (۱۳۸۰) حس وحدت (سنت عرفانی در معماری ایرانی)، ترجمه حمید شاهرخ، نشر خاک، تهران.

(۲) افروغ، عماد (۱۳۷۷) فضا و نابرابری اجتماعی، تهران، انتشارات دانشگاه تربیت مدرس.

(۳) افشار نادری، کامران (۱۳۷۸) از کاربری تا مکان، مجله معمار، شماره۶ ، پاییز ۱۳۷۸.

(۴) بحرینی، حسین (۱۳۷۷) فرایند طراحی شهری، انتشارات دانشگاه تهران.

(۵) برولین، برنت (۱۳۸۳) معماری زمینه گرا، ترجمه راضیه رضازاده، تهران، نشر خاک.

(۶) پاکزاد، جهانشاه (۱۳۸۶) مبانی نظری و فرآیند طراحی شهری، چاپ دوم، تهران، انتشارات شهیدی.

(۷) تانکیس (۱۳۸۸) فرم. فضا، شهر و نظریه اجتماعی (مناسبات اجتماعی و شکل های شهری). ترجمه پارسی، حمیدرضا و دیگران. انتشارات دانشگاه تهران.

(۸) تیبالدز، فرانسیس (۱۳۸۳) شهرسازی شهروندگرا، ترجمه محمد احمدی نژاد، اصفهان، نشر خاک.

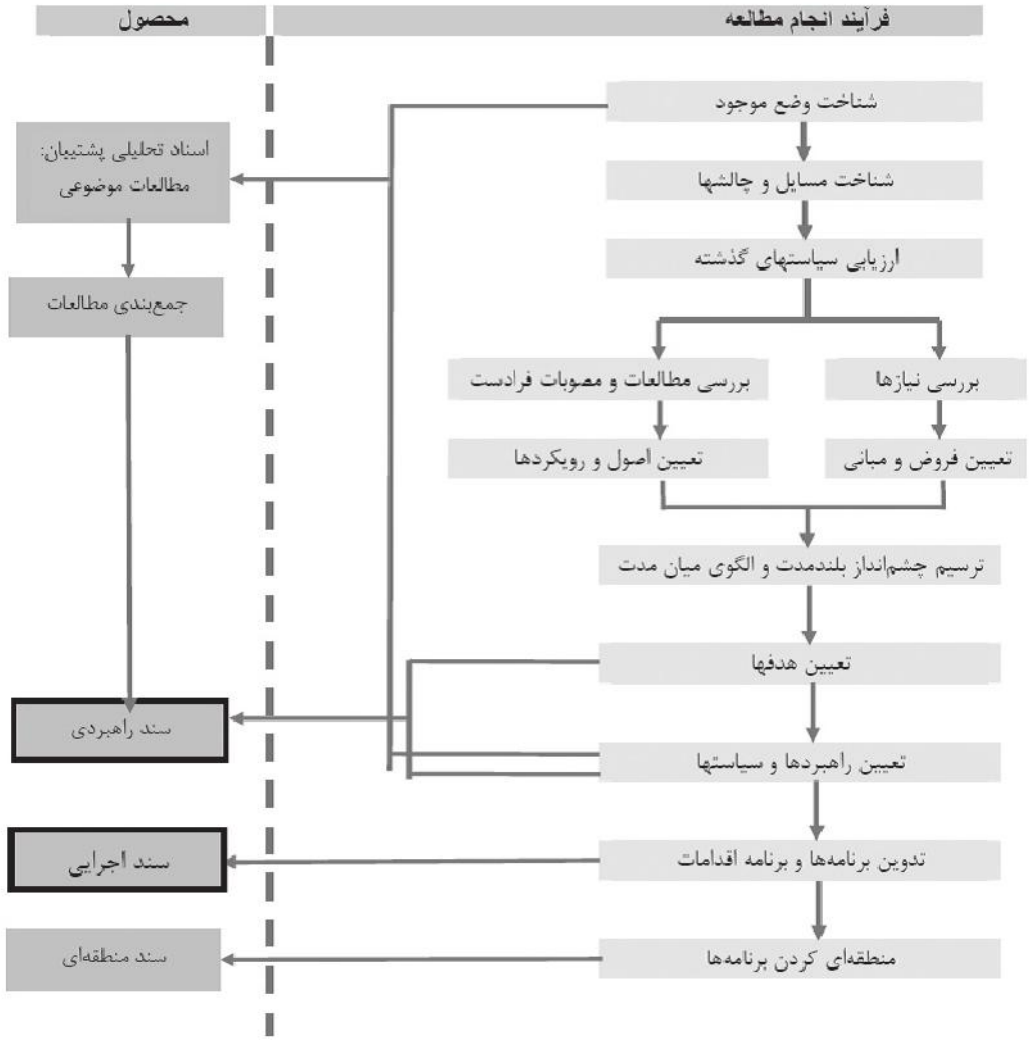
(۹) جیکوبز، جین (۱۳۸۶) زندگی و مرگ شهرهای بزرگ امریکا، مترجم: پارسی، حمیدرضا؛ افلاطونی، آرزو، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.

(۱۰) حبیب، فرح (۱۳۸۰) فضای شهری بستر تعامل اجتماعی (تعامل اجتماعی رویکردی به پایداری)؛ فصلنامه معماری و فرهنگ، سال هفتم، شماره ۲۴. ۱۳۸۰.

(۱۱) حبیبی، سید محسن (۱۳۷۹) جامعه مدنی و حیات شهری، مجله هنرهای زیبا، تهران، شماره ۷.

(۱۲) حبیبی، محسن (۱۳۷۸) فضای شهری، حیات

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]



واقعه ای و خاطره های جمعی، مجله صفه، سال نهم، شماره ۲۸، بهار و تابستان ۱۳۷۸.

(۱۳) دانشپور، عبدالهادی و دیگران (۱۳۸۶) فضاهای عمومی و عوامل مؤثر بر حیات جمعی، فصلنامه باغ نظر، سال ۴، شماره ۷، بهار و تابستان ۸۶.

(۱۴) راپاپورت، آموس (۱۳۶۶) منشا فرهنگی مجتمع‌های زیستی، ترجمه راضیه رضازاده، تهران، انتشارات جهاد دانشگاهی دانشگاه علم و صنعت.

(۱۵) راپاپورت، آموس (۱۳۸۸) انسان‌شناسی مسکن، ترجمه خسرو افضلیان، نشر حرفه هنرمند.

(۱۶) راپاپورت، آموس(۱۳۸۴) معنی محیط ساخته شده: رویکردی در ارتباط غیرکلامی، ترجمه فرح حبیبی، تهران، انتشارات پردازش و برنامه ریزی شهری.

(۱۷) راپاپورت، ایموس (۱۳۸۵) مقاله فرهنگ و نظم شهری، ترجمه سمیه جیریایی، سایت انسان‌شناسی و فرهنگ.

(۱۸) رفیعیان، مجتبی و سیفایی، مهسا (۱۳۸۴) فضاهای عمومی شهری، بازنگری و ارزیابی کیفی، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۲۳.

(۱۹) غزنویان، زهرا (۱۳۹۱) انسان شناسی فضای خانگی شهری؛ از مطلوبیت تا واقعیت، پایان نامه منتشر نشده کارشناسی ارشد، استاد راهنما: ناصر فکوهی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.

(۲۰) فکوهی، ناصر (۱۳۸۳) انسان‌شناسی شهری، تهران، نشر نی.

(۲۱) لینچ، کوین (۱۳۸۱) سیمای شهر، ترجمه منوچهر

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]

مزینی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ پنجم.
(۲۲) لیوتار، ژان فرانسوا (۱۳۷۵) پدیدارشناسی، ترجمه عبدالکریم رشیدیان، تهران، نشر نی.
(۲۳) ماجدی، حمید و زرآبادی (۱۳۸۹) شهر نشان دار به مثابه شهر زمینه گرا، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، شماره ۳.
(۲۴) مدنی پور، علی (۱۳۷۹) طراحی فضای شهری نگرشی بر فرایندی اجتماعی و مکانی، ترجمه فرهاد مرتضایی، تهران، شرکت پردازش و برنامه ریزی.
(۲۵) مظفر، فرهنگ و اسدپور (۱۳۹۳) تحلیل توپولوژیک فضاهای باز در الگوهای مسکن بومی؛ پژوهشهای منظر شهری، سال اول، شماره ۱.
(26) Anderson, S.T., West, S.E. (2006). Open space, residential property values, and spatial context. Regional science and urban economics. 36: 773-789.
(27) Bowman, T. et al. (2009). Valuation of open space and conservation features in residential subdivisions. Journal of environmental management, 90: 321-330.
(28) Coombes, E. et al. (2010). The relationship of physical activity and overweight to objectively measured green space accessibility and use. Social science and medicine, 70: 816-822.
(29) Corti, B. et al. (2005). Increasing Walking; How important is distance to, attractiveness, and size of public open space? American Journal of Preventive Medicine, 28: 169-176.
(30) Cosco, N.G. et al. (2010). Behavior mapping: a method for linking preschool physical activity and outdoor design. Official journal of American college of sports medicine, 42: 513-519.
(31) Geoghegan, J. (2002). The value of open spaces in residential land use. land use policy, 19: 91-98.
(32) Germeraad, P.W. (1992). Islamic traditions and contemporary open space design in Arab-Muslim settlements in Middle East. Landscape & Urban Planning, 23: 97-106.
(33) Kang, J., Zhang, M. (2010). Semantic differential analysis of the soundscape in urban open public spaces. Building and environment, 45: 150-157.
(34) Klaiber, H. et al. (2010). Valuing open space in a residential sorting model of twin cities. Journal of environmental economics and management, 60: 57-77.
(35) Kotchen, M. et al. (2006). Explaining the appearance and success of voter referenda for open-space conservation. Journal of environmental economics and management, 52: 373-390.
(36) Kruger, F.L. et al. (2011). Impact of urban geometry on outdoor thermal comfort and air quality from field measurements in Curitiba, Brazil. Building and Environment, 46: 621-634.
(37) Lo, A.Y., Jim, C.Y. (2010). Willingness of residents to play and motives for conservation of urban green spaces in the compact city of Hong Kong. Urban Forestry & Urban Greening, 9: 113-120.
(38) Li, W. et al. (2007). Simulating the sheltering effects of windbreaks in urban outdoor open space. Journal of wind engineering and industrial aerodynamics, 95: 533-549.
(39) Madanipour, A. (2003). Public and private spaces of the city. London: Routledge Pub.
(40) Mandeli, K.N. (2010). Promoting public space governance in Jeddah, Saudi Arabia. Cities, 27: 443-455.
(41) McConnachie, M., Shackleton, C.M. (2010). Public green space inequality in small town in south Africa. Habitat International, 34: 244-248.
(42) Muruani, T., Amite-Cohen, I. (2007). Open space planning models: a review of approaches and methods. Landscape and Urban planning, 81: 1-13.
(43) Nikolopoulou, M., Lykoudis, S. (2007). Use of outdoor and microclimate in Mediterranean urban area. Building and environment, 42: 3691-3707.
(44) Samadhi, T.N., Tantayanusorn, N. (2006). Reinventing religious land as urban open space: the case of kuang in Chiang Mai (Thailand). Habitat International, \30: 886-901.
(45) Simeoforidis, Y. (1993). On landscape and open spaces. Arch. & Behave., 3: 321-327.
(46) Sugiyama, T., Thompson, C. W. 2008. Associations between characteristics of neighborhood open space and older people's walking. Urban forestry & urban greening, 7: 41-51.
(47) Tan, S., fwa, T. (1992). Influence of pave-

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]

ment materials on the thermal environment of outdoor spaces. Building and Environment, 27: 289-295.
(48) Thompson, C. W. (2002). Urban open space in 21st century. Landscape and urban planning, 60: 59-72.
(49) Turel, H.S. at al. (2007). Evaluation of elderly people's requirements in public open spaces: a case study in Bornova District (Izmir, Turkey). Building and Environment, 42: 2035-2045.
(50) Walton, D. et al. (2007). The relative influence of wind, sunlight and temperature on user comfort in urban outdoor spaces. Building and environment, 42: 3166-3175.
(51) Wu, J.J. Planting, A.J. (2003). The influence of public open space on urban spatial structure. Journal of environmental economics and management, 46: 288-309.
(52) Aiello, Antonio; Ardone, Rita Grazia&Scopelliti, Massimiliano 2010. Neighbourhood Planning Improvement: Physical Attributes, Cognitive and Affective Evaluation and Activities in Two Neighbourhoods in Rome. Journal of Evaluation and Program Planning, 33: 264- 275.
(53) Amérigo, Maria; Aragonés, Juan Ignacio 1990. Residential Satisfaction in Council Housing. Journal of Environmental Psychology, 10: 313-325.
(54) Amérigo, María; Aragonés, Juan Ignacio 1997. A Theoretical and Methodological Approach to the Study of Residential Satisfaction. Journal of Environmental Psychology, 17: 47-57.
(55) Amole, Dolapo 2009a. Residential Satisfaction and Levels of Environment in Students' Residences. Journal of Environment and Behavior, 41: 866-879.
(56) Amole, Dolapo 2009b. Residential Satisfaction in Students' Housing. Journal of Environmental Psychology, 29: 76-85.
(57) Arbuckle, James 2009. Amos 18 User's Guide, Chicago, SPSS Inc.
(58) Bonaiuto, Marino; Aiello, Antonio; Perugini, Marco; Bonnes, Mirilia&Ercolani, Anna Paola 1999. Multidimensional Perception of Residential Environment Quality and Neighbourhood Attachment in the Urban Environment. Journal of Environmental Psychology, 19: 331-352.
(59) Bonaiuto, Marino; Fornara, Ferdinando&Bonnes, Mirilia 2006. Perceived Residential Environment Quality In middle-And low-Extension Italian Cities. Revue Européenne de Psychologie Appliquée/European Review of Applied Psychology, 56: 23-34.
(60) Canter, David V. 1977. The Psychology of Place, London, Architectural Press.
(61) Canter, David V.; Rees, K.A. 1982. Multivariate Model of Housing Satisfaction. International Review of Applied Psychology, 32: 185-208.
(62) Gaitani, N.; Mihalakakou, G.&Santamouris, Mat 2007. On the Use of Bioclimatic Architecture Principles in Order to Improve Thermal Comfort Conditions in Outdoor Spaces. Journal of Building and Environment, 42: 317-324.
(63) Ge, Jian; Hokao, Kazunori 2006. Research on Residential Lifestyles in Japanese Cities from the Viewpoints of Residential Preference, Residential Choice and Residential Satisfaction. Journal of Landscape and Urban Planning, 78: 165-178.
(64) Gifford, Robert 2002. Environmental Psychology: Principles and Practice, Canada, Optimal Books.
(65) Hur, Misun; Morrow-Jones, Hazel 2008. Factors That Influence Residents' Satisfaction with Neighborhoods. Journal of Environment and Behavior, 40: 619-635.
(66) Hur, Misun; Nasar, Jack L.&Chun, Bumseok 2010. Neighborhood Satisfaction, Physical and Perceived Naturalness and Openness. Journal of Environmental Psychology, 30: 52-59.
(67) Kearney, Anne R. 2006. Residential Development Patterns and Neighborhood Satisfaction: Impacts of Density and Nearby Nature. Journal of Environment and Behavior, 38: 112-139.
(68) Marcus, Clare Cooper; Sarkissian, Wendy 1986. Housing as If People Mattered: Site Design Guidelines for Medium-Density Family Housing, Berkeley, University of California Press.
(69) Mesch, Gustavo S.; Manor, Orit 1998. Social Ties, Environmental Perception, and Local Attachment. Journal of Environment And Behavior, 30: 504-519.

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]

(70) Thorsson, Sofia; Lindqvist, aria&Lindqvist, Seven 2004. Thermal Bioclimatic Conditions and Patterns of Behaviour in an Urban Park in Goteborg, Sweden. International Journal of Biometeorol, 48: 149–156.
(71) Waxman, Lisa Kinch 2004. More Than Coffee: An Examination of People, Place, and Community with Implications for Design. Ph.D. Thesis, Florida State University.

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]